

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۵۷

جمعه ۸ بهمن ۱۴۰۰ - ۲۸ ژانویه ۲۰۲۲



اعتراض اوین - وین: گام بعدی چیست؟

حمید تقوائی

طرح و برجسته شدن وضعیت زندانیان سیاسی در ایران و جلب توجه رسانه ها و افکار عمومی در ایران و در سراسر جهان به قتل بکتاش آبتین، قتل خاموش زندانیان سیاسی، گروگانگیری شهروندان دو تابعیتی، فاجعه کرونا و دیگر جنایات حکومت در زندانها از جمله دستاوردهای اعتصاب غذا در اوین و در وین است. از این نقطه نظر حرکتی که زندانیان سیاسی بند هشت اوین آغاز کردند حرکت موفقی بوده است. اما روشن است که هنوز در آغاز راه هستیم. هنوز حتی ابتدائی ترین خواست زندانیان معترض مبنی بر اینکه "رییس قوه قضائیه، دادستان کل و رییس کل سازمان زندانها باید در مورد علت مرگ بکتاش آبتین به مردم توضیح دهند چون این نگرانی وجود دارد که چنین اتفاقات دردناکی در حق زندانیان سیاسی تکرار شود؛ همان طور که سال گذشته حادثه مشابهی برای بهنام محجوبی، از درویشان زندانی افتاد" پاسخ نگرفته است. برای تحقق این خواست و همچنین خواستها و اهدافی که در ادامه این حرکت در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران مطرح شده است، میتوان و باید اشکال تعرضی تر و ادامه کارتری از اعتصاب غذا را در پیش گرفت.

از نظر شکل مبارزه نیز اعتصاب غذا میتواند جای خود را به تجمع و تحصن و پیکت بدهد. در ایران تحصن و تجمع درون زندانها و در برابر زندانها، و در

ادامه در صفحه ۲

زندانها، در سطح گسترده ای

قیام بهمن ۵۷

انقلابی علیه سرمایه داری در ایران

در این شماره انترناسیونال: شماره صفحه:

۱ و ۲ اعتراض اوین - وین: گام بعدی چیست؟ حمید تقوائی

۳ تا ۶ انقلاب ۵۷، انقلابی برای آزادی و برابری بود! محسن ابراهیمی

۶ و ۸ جامعه ای که از اعتراض میجوشد. شهلا دانشفر

۹ پیامدهای کنفرانس اسلو، منافع مردم افغانستان یا طالبان؟ سیامک بهاری

۱۰ و ۱۱ موازین برگزاری و شرکت در آکسیون های اعتراضی. مصاحبه با حمید تقوائی

۱۲ شبخ انقلاب اکتبر ۲۰۱۹ بر تحولات سیاسی در عراق. عبدال گلپریان

۱۳ رسوایی جنسی رهبران مذهبی. اصغر کریمی

۱۳ آتنا دائمی، محبوب توده های مردم، آزاد شد. اطلاعیه حزب

۱۴ و ۱۵ از مدیای اجتماعی حزب

۱۶ تا ۱۸ اطلاعیه های حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

” جنبشی که با اعتراض در اوین و وین آغاز شده است میتواند همانند جنبش دادخواهی و همبسته با آن به یک جنبش تعرضی و گسترده تبدیل بشود. جنبشی که روندها و حرکت‌های اعتراضی متعددی، از مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تا دادخواهی قتل‌های خاموش در زندانها، و از اعتراض به قتل‌های زنجیره ای نویسندگان و هنرمندان تا دفاع از آزادی بیان و عقیده را به هم پیوند میدهد. و این قابلیت را دارد که به عرصه مهمی در جنبش سرنگونی طلبانه در ایران تبدیل بشود. “



حمید تقوایی

خارج از ایران تحسن و تجمع و بیکت نظیر آکسیون وین در پایتختها و شهرهای مختلف. آکسیون وین نشان داد که چطور داخل و خارج کشور میتوانند هماهنگ و همبسته با یکدیگر حرکت کنند. باید صدای اعتراض زندانیان سیاسی و مردم آزادیخواه ایران در خارج کشور باشیم و با رجوع به افکار عمومی و نیروهای آزادیخواه در کشورهای غربی از دولتها و نهادهای بین المللی بخواهیم که جمهوری اسلامی را برای آزادی همه زندانیان سیاسی زیر فشار قرار بدهند. این در عین حال حرکتی تعرضی در خدمت انزوای جهانی جمهوری اسلامی نیز هست.

جنبشی که با اعتراض در اوین و وین آغاز شده است میتواند همانند جنبش دادخواهی و همبسته با آن به یک جنبش تعرضی و گسترده تبدیل بشود. جنبشی که روندها و حرکت‌های اعتراضی متعددی، از مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تا دادخواهی قتل‌های خاموش در زندانها، و از اعتراض به قتل‌های زنجیره ای نویسندگان و هنرمندان تا دفاع از آزادی بیان و عقیده را به هم پیوند میدهد. و این قابلیت را دارد که به عرصه مهمی در جنبش سرنگونی طلبانه در ایران تبدیل بشود.

حزب ما با تمام توان و امکانات خود در این جهت تلاش میکند و همه نیروها و چهره های آزادیخواه را به پیوستن به این حرکت فرامیخواند.



انقلاب ۵۷، انقلابی برای آزادی و برابری بود!



محسن ابراهیمی

شاه با اصلاحات ارضی و حزب رستاخیز و ساواک مخوفش ملزومات سیاسی، امنیتی و فرهنگی برای انتقال به یک اقتصاد سرمایه داری را فراهم کرد تا روستاییان کنده شده از زمین و روستاها به کارگران دست بسته سرمایه داری در شهرها تبدیل شوند. کجا سراغ دارید که مردم علیه "مدرنیزاسیون آمرانه" به خیابانها بریزند؟ اگر خمینی از موضع ارتجاع اسلامی به "انقلاب سفید" و "مدرنیزاسیون" اعتراض داشت، کارگران جهان چیت کرج در اعتراض به وضع اقتصادیشان و برای حقوق انسانیشان به خیابان ریختند و البته توسط نیروهای امنیتی شاه به رگبار بسته شدند. حاشیه نشین ها در تهران در اعتراض به زندگی مادون شان انسان پیاخاستند که با سرکوب خشن مواجه شدند. اینها فقط دو جلوه سرکوب شده اعتراض مردم بود که در ۵۷ ابعادش گسترده شد و به انقلاب ختم شد.

با بیشترین میزان نابرابری در جهان قرار دارد. یکی از جلوه های این نابرابری این بود که ۹۶ درصد روستاییان علیرغم در بستر "تمدن بزرگ" برق نداشتند. سه سال پیش از انقلاب هم هزینه مسکن خانواده نصف درآمدش را می بلعید و نصف خانواده های شهری تنها در یک اتاق زندگی میکردند. روستاییانی هم که به یمن "انقلاب سفید" به کلانشهرها هجوم آورده بودند در زورآبادها و حلبی آبادها در هم می لولیدند و توسط آخوند و مسجد و حسینیه خرافه باران می شدند.

یک لحظه فرض کنید اینها همه دروغ هستند. سؤال این است که کجای دنیا و کجای تاریخ و کدام مردم برای نارضایتی از "خوشی"

داری در شهرها تبدیل شوند. کجا سراغ دارید که مردم علیه "مدرنیزاسیون آمرانه" به خیابانها بریزند؟ اگر خمینی از موضع ارتجاع اسلامی به "انقلاب سفید" و "مدرنیزاسیون" اعتراض داشت، کارگران جهان چیت کرج در اعتراض به وضع اقتصادیشان و برای حقوق انسانیشان به خیابان ریختند و البته توسط نیروهای امنیتی شاه به رگبار بسته شدند. حاشیه نشین ها در تهران در اعتراض به زندگی مادون شان انسان پیاخاستند که با سرکوب خشن مواجه شدند. اینها فقط دو جلوه سرکوب شده اعتراض مردم بود که در ۵۷ ابعادش گسترده شد و به انقلاب ختم شد.

خوشی زیر دل مردم زده بود!

سازمان جهانی کار در سال ۱۹۷۲ گزارش داد که "ایران در ردیف کشورهایی

این ادعا بیشتر از اینکه یک تحلیل جدی باشد یک پیش دستی سیاسی پوشیده در زوررق تحلیل مخصوصا توسط ایدئولوگ های نظام سلطنتی است. مردم هرگز علیه "مدرنیزاسیون آمرانه" به خیابان نریخته بودند مگر اینکه واکنش ارتجاعی خمینی و طلبه های فیضیه در قم به حساب مردم گذاشته شود که در واقع تقابل ارتجاع مذهبی با دو قلو تاریخی یعنی سلطنت بر سر سهمشان در قدرت سیاسی بود که قدمتش به انقلاب مشروطه برمیگردد.

مساله به سادگی این است که شاه با اصلاحات ارضی و حزب رستاخیز و ساواک مخوفش ملزومات سیاسی، امنیتی و فرهنگی برای انتقال به یک اقتصاد سرمایه داری را فراهم کرد تا روستاییان کنده شده از زمین و روستاها به کارگران دست بسته سرمایه

به انقلاب آتی و حضور فعال مردم در صحنه سیاسی است. یک استراتژی تبلیغاتی برای مهندسی "انتقال قدرت" در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی توسط غرب در یک کنفرانس گوادلوپ دیگر است که عمامه برود و اگر هم تاج برنگردد حداقل سپاه و ساواما و دستگاه مذهب تماما نبود نشوند و برای سد کردن پیشروی انقلاب بعدی نقش ایفا کنند. همانطور که ارتش در انتقال قدرت از شاه به خمینی نقش ایفا کرد.

در کنار ادعای اسلامی بودن انقلاب که پاینتر به آن میپردازیم، درباره زمینه های آن انقلاب دو ادعای پوچ بسیار تکرار میشوند: ۱- "مدرنیزاسیون آمرانه" شاه ۲- خوشی زیر دل مردم زده بود!

"مدرنیزاسیون آمرانه!"

هر سال در سالگرد انقلاب ۵۷ جنگ روایتها هم اوج می گیرد. یک روایت در این میان بیشتر به چشم میخورد: جامعه اسلامی بود و حکومت اسلامی هم محصول آن انقلاب بود. در این روایت دو نیرو به طور ویژه فعال هستند: مدافعین حکومت اسلامی با همه جناحهایش و اپوزیسیون راست بویژه سلطنت طلبان. میدان دار اصلی این روایت خود جمهوری اسلامی است. هدف روحیه دادن به نیروهای خودی است که "سونامی ضد مذهب در میان جوانان" و قیام مردم با شعار "جمهوری اسلامی نمیخواهیم" به هراسشان انداخته است. تصور میکنند با این ادعا میتوان افکار عمومی جهان را سرکار گذاشت که بعله حکومتی که با موشک مسافران هواپیما را قتل عام میکند، محصول انقلاب مردم است و مردم قبولش دارند!

تکلیف جمهوری اسلامی روشن است. اما در این میان جریانات راست در اپوزیسیون و بویژه شاخه های سلطنت طلب هم از این ادعا خسته نمی شوند که حاکمیت جمهوری اسلامی به این خاطر است که مردم هوس کردند علیه شاه و سلطنت انقلاب کنند! چنین تبلیغ هیستریک توسط این جریانات علیه انقلاب ۵۷، بیشتر از انتقام از مردمی که علیه سلطنت انقلاب کردند، مهندسی آینده است. نگرانی از سرنگونی جمهوری اسلامی توسط یک انقلاب است. حمله ای پیشگیرانه

ادامه از صفحه ۳

انقلاب کرده اند که ایران دومی باشد!؟

انقلابی برای آزادی و برابری و عدالت اجتماعی!

در هیچ کجای دنیا و در هیچ مقطعی از تاریخ و هیچ مردمی در یک روز آفتابی به خیابانها نریخته اند چون مثلا هوس کرده اند انقلابی راه بیاندازند. گروههای سیاسی هم انقلاب تولید نمی کنند. در سال ۵۷ هم مردم ایران از میان یک دیکتاتوری سلطنتی با شاهش و یک جمهوری اسلامی با ولی فقیهش دومی را آنهم با انقلاب "انتخاب" نکردند که امروز تاوان "انتخاب" شان را بدهند. این نظامها هستند که همه دریچه های تنفس را می بندند؛ راهی به جز انقلاب برای توده های مردم برای تغییر وضعیتشان باقی نمی گذارند و زمینه یک انقلاب را فراهم می کنند. سلطنت پهلوی دقیقا این کار را کرد. همه دریچه ها را بست و مردم را به سمت انقلاب سوق داد.

در انقلاب ۵۷، مردم علیه نظامی قیام کردند که در آن هزار فامیل سلطنتی و در راسشان شاه با تعدادی ژنرال که علنا خود را چاکر و نوکر شاه میدانستند و به پایش می افتادند، برای طبقه سرمایه دار کشور گورستان آریامهری درست کرده بودند که کارگر را خاموش نگه دارد و برای سرمایه داری غرب و ابرقدرت رقیب در جهان دو قطبی "جزیره ثبات" راه بیاندازد. نظامی که برای تحقق همه اینها یک مجلس بله قربان گو و یک ساواک بیرحم و یک حزب رستاخیز راه انداخته بود که شاه گستاخانه میگفت "وظیفه ملی هر ایرانی است که به حزب جدید بپیوندد و آنان که خودداری کنند باطنا دارای "عواطف کمونیستی" هستند و به عنوان کمونیست، بایستی زندانی یا تبعید گردند." (مصاحبه با شاهنشاه. کیهان بین المللی. ۱۷ اسفند ۵۳).

مردم در سال ۵۷ علیه این

۹ مردم در سال ۵۷ علیه این نظام و برای آزادی و کرامت انسانی انقلاب کردند. بی دلیل نیست که خمینی تا زمانی که میخس را نکوبیده بود از جمهوری اسلامی سخن نمی گفت. خمینی دقیقا چون میدانست عصیان مردم برای اسلام نیست، بلکه برای آزادی و برابری و رفاه است، از "حقوق بشر"، "جامعه آزاد"، "پایان استثمار"، "آزادی بیان"، "مطبوعات آزاد"، "آزادی کونیستها در بیان نظراتشان"، "مبارزه با سانسور"، "آزادی زنان و برابری حقوق زنان با مردان"، "آزادی اقلیت‌های مذهبی در انجام فرایض مذهبی"، "نظام دموکراسی"، "تکیه بر آرای ملت"، "اجتناب روحانیون از پستهای حکومتی"، "آب و برق مسکن و اتوبوس مجانی" صحبت میکرد.



"خمینی و جلادان اسلامی" در "مکتب کمونیزم" آموزش دیده اند و البته همانجا با این ادعا که "جنايات خمینی ربطی به اسلام ندارد و اسلام و خدا و الله یک روی مهربان هم دارند" دم خروشان نمایان میشود! یکی دیگر که در نوفل لوشاتو دور و بر عبای خمینی می پلکاید و بعدا در ایران برای همین خمینی

کسانی از جریانات راست که هنوز در دوران جنگ سرد منجمد شده اند با گستاخی تمام عروج اسلام سیاسی را به کمونیستها نسبت میدهند. یکی به عنوان جامعه شناس و پژوهشگر فلسفه در میزگرد درباره موضوعی که ربطی به انقلاب ۵۷ ندارد به صحرای کربلا میزند و مثلا لنین را با خمینی مقایسه می کند! دیگری از طرف بنیاد "مستقل و غیر سیاسی" اش مردم را مستفیض میکند که

با سانسور"، "آزادی زنان و برابری حقوق زنان با مردان"، "آزادی اقلیت‌های مذهبی در انجام فرایض مذهبی"، "نظام دموکراسی"، "تکیه بر آرای ملت"، "اجتناب روحانیون از پستهای حکومتی"، "آب و برق مسکن و اتوبوس مجانی" صحبت میکرد.

کمونیستها در مصاف با جمهوری اسلامی!

در هر سالگرد انقلاب ۵۷،

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

» اگر در مقطع انقلاب ۵۷ تشخیص این حقیقت که جمهوری اسلامی را چه نیروهایی سرکار آوردند سخت بود، امروز بعد از ۴۳ سال که اسناد رو شده اند، خاطرات بازیگرانی که علیه انقلاب مردم نقش بازی کردند منتشر شده اند، دیگر همه میدانند که جمهوری اسلامی محصول یک اتحاد شوم میان آمریکا و دول غرب، طیف وسیع ملی اسلامیهای داخل و خارج و طبقه بورژوازی خود نظام حاکم بود که فهمیده بودند دیگر شاه و سلطنت نمیتواند پاسدار نظام سرمایه داری باشد. «



سیاه پاسداران راه انداخت، باد در غیغ می اندازد که "کمونیستها و اسلام گراها برای چند دهه آرزوی انقلاب میکردند و این آرزو در دهه ۵۰ به اجرا درآمد"

نگرانی این جماعت کاملا قابل درک است. جامعه را می بینند. جنبش قدرتمند کارگران برای عدالت و برابری را می بینند؛ می بینند که حتی مقامات حکومت دنبال رد پای کمونیستها در اعتراضات کارگری میگردند؛ می بینند که حتی رضا پهلوی نه تنها از خیر تاج و پادشاهی گذشته است بلکه آنقدر به موقعیت چپ و کمونیسم در جامعه ایران واقف شده است که علنا اعلام میکند که "... به احتمال خیلی قوی در یکی دو دهه اول حکومت بعد از جمهوری اسلامی، یک حزب با برنامه عدالت اجتماعی و سوسیالیستی بیشتر رای خواهد داشت..." و به این اعتبار، هیستری ضد کمونیستی این جماعت فقط ایدئولوژیک نیست. یک نگرانی سیاسی از این حقیقت است که علیرغم قتل عامی که حکومت اسلامی در دهه شصت علیه کمونیستها راه انداخت، این جنبش همین امروز یک فاکتور بسیار جدی در آینده سیاسی ایران است.

اما جدا از هیستری قابل درک جریانات دست راستی علیه کمونیستها، نسبت دادن عروج اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی به کمونیستها از فرط بی پایه بودن بیش از حد مضحک است. جمهوری اسلامی را نه تنها کمونیستها سرکار نیاوردند بلکه برعکس کمونیستها اولین و مهمترین خطر در مقابل جمهوری اسلامی بودند و جمهوری اسلامی برای سرکار ماندنش باید کمونیستها را کشتار میکرد. چرا؟ به این خاطر که آزمون که سلطنت طلبهای وقت مشغول انتقال داراییهای نجومی شان به آمریکا و اروپا بودند، کمونیستها در کردستان، در ترکمن صحرا، در شوراها کارگری، در جنبش بیکاران، در مدرسه و دانشگاه و کارخانه و محیط کار، برای

مقابله با تثبیت حکومت اسلامی، مقاومت جسورانه ای در مقابل گله های قمه کش فاشیسم اسلامی پیش بردند.

سلطنت پهلوی زمینه ساز عروج اسلام سیاسی!

ایران در مقطع ۵۷ به خاطر همسایگی با شوروی به مثابه یکی از دو ابرقدرت جهانی و همچنین به خاطر ذخایر عظیم نفت و گاز منطقه، جایگاه ژئوپلیتیکی بسیار با اهمیتی برای دول غرب و سرمایه داری جهانی و مخصوصا آمریکا داشت. مضاف بر این، به خاطر سابقه و سنت دیرینه جنبش کارگری متشکل که همیشه رنگ بوی چپ داشت و همچنین حضور حزب کمونیست فعال در زمان رضاشاه، همیشه سرکوب فعال چپ و کمونیسم و جنبش کارگری در راس دستور کار بورژوازی ایران و مشخصا نظام

سلطنتی بوده است.

رسید که همراه با تکیه ها و حسینییه ها و توسط ۹۰ هزار آخوند، تهیدستانی را که در نتیجه انقلاب سفید در حاشیه شهرهای کلان می لولیدند مورد هجوم ایدئولوژیک اسلام قرار میدادند. در همین دوره، در حالیکه یک دانشجو مثلا به خاطر نگهداری کتاب منشاء انواع داروین از سیاهچالهای ساواک سر در میاورد، میلیونها نسخه کتاب "مفاتیح الجنان" و صدها هزار نسخه رساله از مراجع تقلید منتشر میشد.

شاه هم البته در هر فرصتی و به اشکال مختلف سعی می کرد ریش اسلام شیعی اثنی عشری و آیت الله هایش را چرب کند. از اسلام به عنوان "مترقی ترین

و به این اعتبار هر دو شاه، پدر و پسر سرکوب جنبش کارگری و کمونیستها به هر قیمت را در دستور داشتند. رضا شاه رسما با قانون "منع مرام اشتراکی" سرکوب کمونیستها را قانونی کرد. در دوران محمد رضا شاه هم دستگیری و شکنجه و زندانهای طویل المدت برای کمونیستها و سرکوب خشن هرگونه تشکل یابی کارگری با تقویت نهادهای مذهبی و میدان دادن و باز گذاشتن دست مذهب در فعالیتهای گسترده برای مقابله با کمونیسم تشدید شد. فقط در فاصله ۱۴ سال میان ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۴، به یمن مراجع سلطنت، تعداد مساجد فقط در تهران به ۱۴ برابر

ادامه از صفحه ۵

داری و آیت الله های حاکم در ایران و حکومت اسلامی را به چالش کشیده است. اگر جمهوری اسلامی بعد از شکست انقلاب ۵۷ برای تثبیتش کمونیستها را قتل عام کرد و امروز برای بقایش ناگزیر از مقابله با خطر کمونیستها است؛ اپوزیسیون راست حکومت اسلامی، نگران دوران بعد از سرنگونی و موقعیت کمونیستها در آینده سیاسی است و دقیقاً به این خاطر، نگرانی از "خطر" کمونیستها در هر سالگرد انقلاب ۵۷ داغ میشود. این یک مصاف سیاسی از طرف جریانات دست راستی در سراسر جمهوری اسلامی است.

آیا میتوان در عین تلاش برای خنثی کردن تقلابهای جریانات دست راستی برای ممانعت از حضور توده های مردم در سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، شیب سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را تندتر کرد و این حکومت را سرنگون کرد؟ میتوان و حزب کمونیست کارگری به عنوان متشکل ترین بخش جنبش برای عدالت، برای آزادی، برای برابری، برای زندگی انسانی بدون تبعیض، با تمام قوا در این جهت مبارزه میکند.

۲۷ ژانویه ۲۰۲۲

بود. بعدا گری سیک از اعضای برجسته شورای امنیت ملی دولت کارتر، درباره نقش فعال این نوجهای خارج کشوری خمینی این چنین صحبت میکند که "یزدی به آمریکا آمد تا ما را قانع کند که نباید از خمینی واهمه داشت؛ ... اینکه ایران به دامن کمونیستها نخواهد افتاد و مانعی برای رابطه با آمریکا وجود ندارد!"

می بینید که کدام نیروها دقیقاً در مقابل خطر چپ و کمونیسم در انقلاب ۵۷ برای شکست آن انقلاب متحد شدند.

حکومت اسلامی را باید سرنگون کرد و تحرک جریانات راست در مقابل انقلاب آتی را باید خنثی کرد!

مقامات حاکم در جمهوری اسلامی و صاحبان نظام سرمایه داری در جهان و در ایران علیرغم پروپاگاندا سیاسیشان، به این حقیقت واقف هستند که کمونیسم یک سکت سیاسی نیست. یک جنبش واقعی طبقاتی و اجتماعی در نظام سرمایه داری است و تا این نظام هست، شیخ این جنبش بالای سرشان همچنان چرخ خواهد زد.

در ایران، این جنبش فقط یک شیخ نیست و فقط چرخ نمی زند. یک واقعیت سیاسی و اجتماعی است که در خیابان و محل کار و دانشگاه، سرمایه

صریحاً نوشت که نگران به قدرت رسیدن کمونیستها بوده است. بقیه داستان را همه میدانند که جیمز کالاهان نخست وزیر انگلیس و هلموت اشمیت صدر اعظم آلمان غربی هم به آنها پیوستند و در کنفرانس شوم گوادلوپ تصمیم گرفتند شرایط انتقال قدرت به خمینی را فراهم کنند و بالاخره ژنرال هایزر را به ایران فرستادند که ارتش را برای چنین انتقالی آماده کند. جالب است که درست در این مقطع خمینی در مقابل چپ ها و کمونیستها دیده تر میشود.

ملی-اسلامیها در خدمت جمهوری اسلامی!

به این باید تحرک ملی اسلامیها مخصوصاً تحصیلکرده هایشان در خارج را اضافه کرد که از هر منفذی بیرون زدند و برای انداختن خمینی به مردم ایران و جهان به عنوان رهبر سنگ تمام گذاشتند. نگرانی این طیف هم دقیقاً ترس از گسترش نفوذ چپ و کمونیسم بود. ابراهیم یزدی در مصاحبه ای با نشریه "نامه" در سال ۱۳۸۳ میگوید: "نظریه برژینسکی این بود که در غیاب شاه تنها نیرویی که می تواند جلوی خطر کمونیسم را در ایران بگیرد هماهنگی و ائتلاف میان نظامیان و روحانیان است". او بعداً در خاطراتش با افتخار از این حرف می زند که یکی از مهمترین محورهای ملاقات با غربی ها ترس از قدرت گرفتن "کمونیستها"

و کمونیسم هوای همدیگر را داشتند. اگر قبل از انقلاب ۵۷ مقابله با کمونیستها به رهبری سلطنت بود، با شکست انقلاب ۵۷ رهبری این مقابله بدست اسلام سیاسی افتاد.

دول غرب در خدمت عروج اسلام سیاسی!

در گزارش ویلیام سولیوان سفیر وقت آمریکا در ایران در سال ۵۷ تحت عنوان -Think the unthinkable بوضوح تاکید شده است که "ثبات ایران" یعنی همان "جزیره ثبات"، "تا کنون بر دو پایه سلطنت و مذهب استوار بوده است. در ۱۵ سال گذشته استحکام پایه سلطنت ایران را بر سر پا نگاه داشته است و اکنون که پایه سلطنت سست شده ناچار باید این ثبات با تحکیم پایه مذهب تامین گردد."

بعداً جیمی کارتر در کتابش به اطلاع رساند که برای جایگزین کردن یک حکومت مذهبی به جای حکومت شاه به خاطر جلوگیری از نفوذ کمونیستها ... دولت آمریکا ۵۰ میلیون دلار به طرفداران آیت الله خمینی برای پیروزی در انقلاب کمک کرده است....!" ژنرال دستن رئیس جمهور وقت فرانسه هم بر اساس گزارش سرویس اطلاعاتی فرانسه که شاه رفتنی است و باید با خمینی "که بشدت ضد کمونیست" است کنار آمد در کنفرانس گوادلوپ برای حمایت از خمینی سنگ تمام گذاشت و بعداً در خاطراتش

ادیان جهان "نام می برد؛ آرزو می کرد "نه تنها مملکت ما بر طبق اصول عالی اخلاقی و معنوی دین مبین اسلام اداره شود، بلکه انشاءالله در دنیا یک جامعه حقیقی اسلامی به وجود آید ... (شاه در سلام عید مبعث، ۱۲ دی ۱۳۴۰)؛ عکسهایش در حال اقامه نماز در خانه خدا را منتشر میکرد؛ در مراسم تحلیف خود به آیت الله ها چالپوسی می کرد که "بخت بزرگ ایرانیان این بود و هست که در پرتو روحانیت و معنویت تعالیم مقدس و مترقی اسلام زندگی می کنند؛ از شاه اسماعیل تمجید می کرد که تشیع را دین رسمی ایران کرده است؛ افتخار میکرد که در زمان زمامداریش "استان قدس رضوی و مرقد حضرت رضا به اوج عظمت و اعتلا رسیده است."

متقابلاً، مراجع تقلید در ضدیت با کمونیسم و خطر چپ همیشه هوای شاه را داشتند. جدا از نقش برجسته آیت الله های مثل بروجردی و بهبهانی و کاشانی در کودتای ۲۸ مرداد، آیت الله ها منظمآ به دستبوسی شاه میرفتند. آیت الله بروجردی، رسماً از شاه در مقابل کمونیستها و حتی جبهه ملی حمایت می کرد. آیت الله قمی علناً از محمد رضا شاه به مثابه یک مانع مهم در مقابل کمونیسم ستایش می کرد. می بینیم که آیت الله و ظل الله، نشانه خدا و سایه خدا، همیشه در مقابل چپ

ماهوره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهوره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

پخش زنده آنلاین:

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

جامعه ای که از اعتراض میجوشد



بازنشستگان یک بخش
معارض جامعه

یکشنبه ۳ بهمن بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای رشت، مشهد، تبریز و بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد در ادامه یکشنبه های اعتراضشان در شهرهای تهران، اصفهان، اهواز، رشت، و شاهرود بخاطر وضع بد معیشتی خود و با فریاد مطالباتشان تجمعاتی برپا کردند. روز چهارم بهمن نیز بازنشستگان آموزش و پرورش در شهرهای تهران، داراب، ممسنی، شیراز، همدان، سنندج، کرمانشاه و رشت تجمع داشتند و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، انجمن صنفی بازنشستگان کشوری و گروههای اتحاد بازنشستگان، اتحاد سراسری بازنشستگان، و شورای بازنشستگان ایران، از این فراخوان اعلام حمایت و پشتیبانی کرده بودند. در همین روز جمع بزرگی از بازنشستگان مخابرات ایران از استانهای مختلف در اعتراض به خلف وعده ها و برای پیگیری مطالبات خود

جمعیتی میلیونی است که به فقر و گرانی، به تبعیض و نابرابری، به اختلاس ها و دزدها و به سرکوبگری های حکومت معترض است. در طول سال جای نمونه هایی از تجمعات هزاران نفره معلمان را شاهد بوده ایم.

این چنین است که جامعه سازمانیافته و مطالبه گر و قدرتمند دارد به جلو می آید. معلمان در این اعتراض همچنین به لایحه بودجه حکومت که مصوب شده و یک نتیجه آن رد طرح رتبه بندی مشاغل است که میتوانست اندک بهبودی در زندگی شان ایجاد کند معترضند. به عدم اختصاص بودجه برای اجرایی کردن آموزش رایگان اعتراض دارند. به زندانی کردن ها و دستگیری ها اعتراض دارند و به طرح چپاول صندوق ذخیره فرهنگیان معترضند. و اینها همه در اساس خود اعتراضات و دردهای مشترک همه مردم است. معلمان تا همینجا نقش پیشتاری در جلو آوردن مطالبات سراسری همه مردم و ایستادن در برابر تعرضات حکومت به زندگی و معیشت کل جامعه داشته اند. باید وسیعا همراه معلمان و اعتراضاتشان باشیم.

به تجمعات هر روز بیشتر میشود. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به اعتراضی گسترده و در گام اول به دو مرحله از اعتصاب و تجمعات بزرگ و سراسری فراخوان داده است. خطاب این فراخوان به همه معلمان شاغل و بازنشسته و معلمان شهرهای مختلف است. معلمان در قامت تشکلهایشان وسیعا به این فراخوان پاسخ داده و میگویند همه می آیم. در عین حال خطاب این فراخوان به خانواده های دانش آموزان و دانش آموزان کلاسهای بالاتر است که موضوع اعتراض و تاکید بر آموزش رایگان برای همه و بالابردن کیفیت آموزش به همه آنها و به کل جامعه مربوط است. زمان این تجمعات در روزهای نهم، دهم بصورت اعتصاب و تحصن و در یازدهم بهمن ماه بصورت تجمعات سراسری تعیین شده است. و مرحله دوم و در صورت پاسخ نرفتن مطالبات در روزهای 23 تا 27 بهمن بصورت تحصن و اعتصاب و 28 بهمن بصورت تجمعات سراسری است. ضمن اینکه معلمان اعلام کرده اند که اگر بازهم پاسخ نگیرند در اسفند ماه در ابعادی گسترده تر اعتراضات خود را به پیش خواهند برد. بدین ترتیب موضوع بر سر اعتراض

آمده است و امروز مردمی را می بینیم که عزم خود را جزم کرده و میروند تا در زندانها را بگشایند. امروز شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد وسیعتر از هر وقت شنیده میشود. در کنار این شعار مردم معترض دارند از آزادی بیان، آزادی تشکل، آزادی تحزب و وسیعترین آزادی ها سخن میگویند و خود بدون ترس و وحشت چشم در چشم جانبان اسلامی دوخته و از حق مسلم خود به داشتن زندگی ای انسانی دفاع میکنند، و علیه جنایات حکومت کیفرخواست میدهند و دادخواهند.

یک موفقیت جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی آزادی آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، علیه اعدام، حقوق زن و صدای آزادیخواهی و انسانیت در این هفته از زندان است. آزادی آتنا موجی از شادی و شغف را در میان بخشهای مختلف مردم برانگیخت و امید گشودن در زندانها و آزادی همه عزیزان را ملموس تر کرد.

معلمان در تدارک اعتراضاتی گسترده

اعتراضات در سطح جامعه گسترده است و به وسعت آن فراخوانهای اعتراضی



شهلا دانشفر

اعتراضات گسترده در زندانها و پژواک جهانی آن، فراخوانهای اعتراضی از سوی بخش های مختلف جامعه از جمله از سوی معلمان، کارگران، بازنشستگان و پرستاران و برپایی تجمعات بزرگ از سوی آنان و در سطوح مختلف جامعه، و چهره جامعه ای که از هر گوشه اش اعتراض می بارد، سیر اوضاع را پرشتاب بسوی تعیین تکلیف نهایی با سیستم جهانی حاکم میبرد. نگاهی از نزدیک به آخرین رویدادهای سیاسی مهم داشته باشیم:

اعتراضات در زندان

قتل بکتاش آبتین ولوله ای در زندان ها و در درون جامعه براه انداخت. این اعتراضات یک سرش در زندانهای اوین و تهران بزرگ و در میان خانواده های زندانیان سیاسی بود و سر دیگر در خارج کشور، در وین آنجایی که اجلاس برجام برپا شده بود. دامنه اعتراضات بر سر این موضوع در داخل ایران و در سطح جهانی هر روز گسترده تر میشود. در وین در اعتراض به قتل بکتاش و در حمایت از اعتراضات درون زندان، در برابر محل مذاکرات هسته ای تحصنی بر پا شد که نتیجه مستقیم اعتراضات جانانه زندانیان در زندانها بود. بدین ترتیب زندانیان سیاسی در ایران توانستند صدای اعتراض خود را جهانی کنند. امروز تمام توجه ها به زندانها جلب شده است. این اتفاقات جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی را گام بزرگی به جلو برده است. با اعتراضات گسترده زندانیان سیاسی میله های زندانها به لرزه در

ادامه از صفحه ۷

تاکید دارد.

گاهی به اخبار اعتراضات در همین هفته بیانگر اعتراضات گسترده هزاران بازنشسته در سطح جامعه است و این اعتراضات گوشه دیگری از فضای پراکنده و آشوبناک جامعه را شکل داده است. "فقط کف خیابان بدست میاد حقون" امروز به شعار همه بازنشستگان و بخش های معترض جامعه تبدیل شده است.

کارگران ساختمانی هم به میدان آمدند

یک فراخوان قابل توجه اعتراضی در این هفته فراخوان کارگران و استادکاران ساختمانی به تجمع در مقابل مجلس اسلامی بود. این تجمع در پنجم بهمن ماه برپا شد و تجمع کنندگان از شهرهای مختلف جهت شرکت در این حرکت اعتراضی به تهران آمده بودند. و این صدای اعتراض صدها هزار کارگر ساختمانی بود که با شعار معیشت، منزلت حق مسلم ماست، در مقابل مجلس اسلامی طنین انداخت. اعتراض تجمع کنندگان به شرایط سختی کاری و معیشتیشان است. به رسمیت شناختن حق تشکیل یک مطالبه مهم این کارگران است. علاوه بر بیمه شدن تمامی کارگران و استادکاران ساختمانی، الزام کارفرمایان به رعایت مسایل ایمنی در

صنعت ساختمانی و بهره مندی آنها از مزایای قانون مشاغل سخت و زیان آور و غرامت ایام بیماری و لغو دستورالعمل های یک جانبه ضد کارگری تامین اجتماعی در قبال آنان از خواسته های مهم دیگرشان است. این تجمع مقدمه ای برای به میدان آمدن سازمان یافته هزاران کارگر ساختمانی در قامت تشکلهایشان و فریاد خواسته ها و مطالباتشان است و این یک اتفاق بزرگ و مهم در این هفته بود.

اعتراضات در نفت باردیگر گسترش می یابد

آخر سال است و موعد تعیین حداقل دستمزدها. امسال کارگران نفت و پتروشیمی نیز در ادامه اعتصاب سراسری خود، بیش از پیش به این عرصه گام گذارده اند و این برای کل جنبش کارگری بسیار مهم است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در بیانیه ای به همین مناسبت با اشاره به رشد سرسام آور قیمت ها و تورم و در اعتراض به لایحه مصوب بودجه و تدارک تعرض بیشتر به زندگی کارگران و کل جامعه T، بر خواسته های زیر تاکید کرده است: " شورای عالی کار نماینده ما نیست و آنرا قبول نداریم و اجازه نمیدهیم که همچون برده با ما رفتار شود. خودمان با قدرت متحد و سراسری مان به میدان می

آییم و رقم می دهیم، حداقل دستمزد ۱۶ میلیون و مزد هیچ کارگری نباید از این رقم کمتر باشد، لایحه بودجه را قبول نداریم و به آن اعتراض داریم، درمان رایگان همگانی، تحصیل رایگان برای همه کودکان و داشتن حق مسکن حق مسلم همه ما مردم است. این شورا در خاتمه از همه بخش های کارگری خواستار گذاشتن امضای خود در زیر این بیانیه و بیانیه هایی که با چنین مطالباتی بر سر این موضوع انتشار می یابد شده است. بدین ترتیب شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت پیشتاز مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها با مطالباتی روشن و اعتراض به لایحه بودجه ضد کارگری حکومت اسلامی در مقطع تعیین حداقل دستمزدها در این روزهای پایانی سال شده است.

بطور کلی این روزها اعتراضات در میان کارگران نفت و پتروشیمی در حال گسترش است. برچیده شدن بساط پیمانکاران و داشتن امنیت شغلی با قراردادهای مستقیم و دائمی، افزایش دستمزدها، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و به رسمیت شناخته شدن حق تشکل، بالا بردن استانداردهای زیستی کمپ ها و ایمنی محیط کار از جمله خواسته های اعلام شده کارگران نفت در مبارزاتشان است.

در این هفته اعتصاب کارگران پیمانکاری پالایشگاه تندگویان تهران در ششم به ماه به سطح نازل حقوقها، اعتصاب کارگران پتروشیمی ایلام در اعتراض به اخراجها و خلف وعده ها و اعتصاب کارگران پتروشیمی رازی سربرند در اعتراض به سطح نازل حقوقها و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خریدشان و تعویق پرداخت دستمزدها و زدن پیمانکاران به زیر وعده و وعیدهایشان، و اعتصاب روز سه شنبه ۵ بهمن کارگران پتروشیمی مروارید در فاز ۲ صنایع پتروشیمی عسلویه به دلیل عدم پرداخت پنج ماه حقوق توسط پیمانکاران و خلف وعده ها را شاهد بودیم. و اینها خود نشان میدهد که نفت دیگر آرام و قرار ندارد.

در کل فضای اعتراضی جامعه که اساسا اعتراضات کارگران و معلمان و بازنشستگان فعالترین بخش آنرا تشکیل میدهد پیش زمینه های بهم پیوستن اعتراضات و یک حرکت قدرتمندتر و سراسری تر را فراهم آورده و میتوان امیدوار بود که شاهد اعتصابات سراسری میلیونی برای به کرسی نشاندن خواسته های مشترک کل بخشهای طبقه کارگر باشیم.

۲۷ ژانویه ۲۰۲۲



پیامدهای کنفرانس اسلو، منافع مردم افغانستان یا طالبان؟



سیامک بهاری

پیش از این جو بایدن در سخنرانی‌اش در دفاع از مذاکره با این نیروی مخرب تروریستی ادعا کرد افغانستان هرگز متحد نمی‌شود! در افغانستان گزینه دیگری بجز طالبان وجود ندارد. و بیش از چهار دهه جنگ و خونریزی، افغانستان به دست همین تروریست‌های اهلی شده، سپرده می‌شود!

دیپلمات‌های آمریکا، اتحادیه اروپا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا به اسلو سرازیر شدند تا پشت درهای بسته راه‌های رفع موانع به رسمیت شناسی و نقشه راه تعامل با طالبان را ترسیم کنند. این کنفرانس باید در خارج از افغانستان، در یک کشور اروپایی معین مانند نروژ برگزار می‌شد. تا تأییدی بر آرازه غرب بر کنترل طالبان و فشار بر حامیان منطقه‌ای آنان نیز باشد.

حکومت نروژ به عنوان محل صلح، با سابقه طولانی و پر رمز و راز با سران طالبان، متحد مهم استراتژیک آمریکا در نقش میزبان که نقشی برجسته و مستقیم در نوشتن موافقت‌نامه آمریکا با طالبان در دوحه داشت، هرچه در طبق فریبکاری و شارلاتانیسم دیپلماتیک داشت به خرج داد. تا کنفرانس اسلو بعنوان یک واقعه جهانی، آغازگر بازگشایی رابطه با طالبان به اجلاس شورای امنیت در باره افغانستان ختم شود.

سناریویی پردازش شده که به بهانه حل فاجعه بحران انسانی، پیچ و خم کردی‌های مصالحه و مشروعیت بخشیدن به طالبان را قرار است طی کند.

منافع مردم یا منافع طالبان؟

در حالیکه، بصورت واضحی طالبان از اداره ساده‌ترین امورات کشور عاجزند شکاف در مرکز قدرت آنان مداوما عمیق‌تر می‌شود. حضور در این کنفرانس دستاورد مهمی برای آنها تلقی می‌شود. چه در صحنه روابط بین‌المللی

و چه در توازن قوا در فضای متشتت درونی. گامی در به رسمیت شناخته شدن توسط آمریکا و اروپا و نبر باز شدن دریچه‌ای برای آزاد کردن نزدیک به ده میلیارد دلار دارایی دولت پیشین که عمدتاً در بانکهای آمریکایی بلوکه شده است. حضور نمایندگان طالبان در نشست اسلو، اولین سفر رسمی این گروه به یک کشور اروپایی است که طی آن توافقات محرمانه امضا می‌شود و همین را علناً رو به افکار عمومی جهانیان اعلام می‌کنند.

برای طالبان روشن است که پس از این کنفرانس، باید خط قرمزهای غرب در رابطه با چین و روسیه را بپذیرند و انتظارات غرب را در سیاست داخلی و خارجی لحاظ کنند.

برعکس برای مردم افغانستان این توافقات پیامی شوم از ادامه امارت اسلامی طالبان و نابودی همه شیرازه زندگی در افغانستان است. روشن است که غرب برای تقویت طالبان در تناسب قوای کنونی در منطقه حساب باز کرده است. بی‌اهمیت جلوه‌دادن جنایات بی‌شمار طالبان در گذشته و حال، پاک کردن نقش تعیین کننده حکومت امارت اسلامی در تداوم بحران فاجعه‌بار انسانی، خاک پاشیدن به چشم قربانیان این توحش افسارگسیخته و ایجاد بستر و زمینه سرکوب هرچه بیشتر مردم و اعمال عقب‌مانده‌ترین مناسبات اجتماعی را فراهم می‌کند.

مذاکرات پشت درهای بسته، سپس توافقنامه محرمانه کنفرانس اسلو پیش از هر چیز نشان می‌دهد که آنچه منافع مردم افغانستان، و ادعاهای حقوق بشری، خوانده می‌شود، چیزی جز ابزارهای رایج دیپلماتیک و مستمسک نمایشی بیش نیست. تا آنجا که پایمال کردن حقوق ابتدایی زنان، محرومیت از تحصیل دختران بالای ۱۲ سال به برگ برنده طالبان در مذاکرات اسلو بدل شده است. تا با وعده بازکردن مدارس امتیاز

بیشتری نصیب طالبان شود. و نظامیان پیشین را سرکوب، قتل و شکنجه نموده‌اند، تبعیض نظام‌مند را علیه اقوام و ملیت‌های غیرحاکم به راه انداخته‌اند و دستگاه تفتیش عقاید و رفتار را به نام امر به معروف و نهی از منکر ایجاد کرده‌اند. ...

در بیرون از سالن مذاکرات، تجمعات اعتراضی گرمی علیه این دیپلماسی ننگین برپاست. تلاش فعالین، برای تحت تعقیب جنایی قرار دادن «آنس حقانی» کلید می‌خورد. طالبان در داخل کشور برای مقابله با توقیف و تعقیب آنس حقانی، با یورش و به گروگان گرفتن چهل تن از قاضیان زن که قصد خروج از کشور را داشتند، آماده مقابله با این اقدام می‌شوند.

کنفرانس اسلو اگرچه برای طالبان و حامیان غربی آن، دست‌آورد مهمی است اما برای میلیونها مردمی که زندگی و هست و نیست خود را باخته‌اند، یک معامله کثیف سیاسی برای پایمال کردن تمامی تلاشهای آنها در خلاصی از شر طالبان است. این کنفرانس چهره بزک کرده دیپلماسی ننگین سرمایه‌داری و همه ظرفیت‌های فریبکارانه و عوامفریبانه آن را بیش از پیش آشکار می‌کند.

۲۷ ژانویه ۲۰۲۲

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

موازین برگزاری و شرکت در آکسیون های اعتراضی متن گفتگو با حمید تقوایی در تلویزیون کانال جدید



خلیل کیوان: بدنال قتل بکتاش آبتین و برگزاری آکسیون در حمایت از زندانیان سیاسی در وین، شاهد مباحثی بودیم در فضای مجازی درباره پرچم. دیدگاهها و نظرات و همینطور پرسشها و نکات مختلفی در این رابطه طرح است در این باره با حمید تقوایی صحبت میکنیم.

حمید تقوایی آیا ایجاد مانع یا محدودیت برای شرکت در آکسیونها و تجمعات اعم از منع طرح اسم و لوگوی یک حزب یا نمادها و شعارهای ویژه احزاب معین ناقص حقوق دموکراتیک و آزادی بیان نیست؟

حمید تقوایی: علی العموم

و بطور اصولی باید گفت که بله اینطور است. وقتی ما آزادیهای بی قید و شرط را برسمیت میشناسیم این از جمله و بویژه آزادی بی قید و شرط اعتراض را هم در بر میگیرد حال اعتراض با اسم هر حزب و یا لوگو و پرچمی. اگر فعالین یا طرفداران یک حزب با هدف و شعار تظاهرات و یا آکسیونی موافق هستند و در آن شرکت میکنند حق شان است که اسم حزبشان را مطرح کنند و اعلام کنند و یا نشان دهد که از جانب حزب، یا گروه و سازمان، و یا نهاد و کانون و انجمن معینی در تظاهرات ها شرکت میکنند. این در یک سطح عمومی و پایه ای اصلی است که در مورد تظاهرات ها و آکسیون های عمومی باید رعایت شود.

بویژه در آکسیون هایی که اجتماعا شکل میگیرد نظیر اول ماه مه، هشت مارس و یا واقعه ای مثل انتخابات در جمهوری اسلامی و خیزشهایی نظیر ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ که بخش نسبتا زیادی از ایرانیان مقیم خارج کشور مایلند در چنین حرکت هایی شرکت کنند، در چنین مواقعی احزاب فراخوانهای عمومی میدهند یا ممکن است چندین حزب و سازمان فراخوان مشترک بدهند و محل و

یا پادشاهی. طرفداران پرچم ۹۹ درصدشان خود را سلطنت طلب و طرفدار نظام پادشاهی میدانند. این یعنی طرفداری از بازگشت به دوره گذشته؛ بازگشت به نظامی که ۴۳ سال قبل جامعه ایران با آن تسویه حساب کرد.

به عبارت دیگر وقتی در شرایط حاضر پرچم از طرف نیروهای اپوزیسیون راست بلند میشود یک بینش سیاسی، یک نظام سیاسی معینی، یک حکومت معینی را نمایندگی میکند که یک بار توسط انقلاب مردم سرنگون شده است. اما نمیشود هیچ جامعه ای را به عقب برگرداند. میدانم که جمهوری اسلامی چنان جنایاتی کرده است که ممکن است افرادی بین بد و بدتر به بد رضایت بدهند ولی مردم ایران مجبور نیستند برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی برگردند به یک نظامی که در زمان خودش به گورستان آریامهری معروف بود و ترس و رعبی که ساواک در جامعه ایجاد کرده بود دست کمی از سیاستهای امروز جمهوری اسلامی نداشت. بدین معنا پرچم سه رنگ در این شرایط نماد کشور یا ملت یا جامعه نیست، نماینده یک سیستم حکومتی سرنگون شده است.

خلیل کیوان: در اعتراضات اجتماعی که در کشورهای غربی رسم است معمولا در رابطه با امر و خواسته ای که دارند پرچم و شعار میآورند. معمولا در در این کشورها نژاد پرستها و نیروهای راست افراطی هستند که پرچم ملی شان را آنهم گاه با تعداد زیاد حمل میکنند. سوال این است که چرا در کشورهای غربی حمل پرچم ملی در اعتراضات قبح دارد اما برای اپوزیسیون راست ایران اینطور نیست و آنرا یک علامت اتحاد می بینند؟

ادامه در صفحه ۱۱

احزاب در مورد مسائل دیگر باشد و یا سخنرانها به معرفی و لانس کردن احزاب اختصاص داشته باشد.

احزاب البته مجازند که سیاستها و مواضع و شعارهایشان در رابطه با امر و هدف معین آکسیونی که در آن شرکت میکنند را نمایندگی کنند ولی حق ندارند یک حرکت اعتراضی را به یک حرکت تبلیغی برای حزب و سازمان خودشان تبدیل کنند. به هیچ وجه نباید شعارها و موضوع و مضمون یک حرکت اعتراضی معین تحت الشعاع تبلیغات این یا آن حزب معین قرار بگیرد. این نکته مهمی است که باید چه در آکسون های حزبی و چه تظاهراتهای عمومی مد نظر داشت.

خلیل کیوان: یک موضوع اختلاف بین نیروهای اپوزیسیون وقتی است که عده ای با پرچم سه رنگ در آکسیونها شرکت میکنند. طرفداران پرچم سه رنگ مدعی هستند که این پرچم نماد اتحاد مردم است و پرچم هیچ گروه و حزبی نیست. آیا واقعا همینطور است؟

حمید تقوایی: بنظر من اینطور نیست. علی العموم و در سطح رسمی و دیپلماتیک پرچم نماینده یک کشور یا ملت است ولی پرچم سه رنگ مورد نظر نیروهای اپوزیسیون راست نماد و سمبلی است از یک سیستم حکومتی معین یعنی سیستم سلطنتی

لزومی دارد و نه عملا ممکن است که برای هر سخنران عکسها و پرچمها و پوستره های پشت صحنه یا جلوی پودیوم را عوض کرد. این البته به معنی بی هویت بودن سخنرانان نیست. هر سخنران میتواند خودش را معرفی و اعلام کند به چه حزب یا گروهی تعلق دارد.

در هر حال نکته ای که بااین مثال خواستم روشن کنم اینست که آکسیون هایی که از جانب یک حزب معین سازماندهی میشود، مقرراتش را هم آن حزب تعیین میکند. حال اگر شما از حزب دیگری هستید و یا با آن مقررات موافق نیستید نمیتوانید شرکت نکنید. نمیتوان گفت من میخواهم شرکت کنم و باید شرایط من را بپذیرید. این خودش غیر دموکراتیک است. احزاب حق دارند موازین و مقرراتی برای تظاهرات ها و آکسیون های خودشان بگذارند. اگر این موازین و مقررات خیلی محدود کننده باشد قاعدتا موفقیت زیادی نخواهند داشت و آکسیون هایشان قوی نخواهد بود.

نکته مهم دیگری که باید توجه داشت اینست که موضوع و مضمون هر آکسیون باید از جانب احزاب و نیروهای شرکت کننده کاملا رعایت شود. نمیتوان در حرکت اعتراضی معینی مثلا علیه اعدام شرکت کرد ولی بخش عمده بنرها و پلاکاردها تبلیغ حزب و برنامه و سیاستهای

زمان تجمع یا راهپیمایی یا میتینگهای خیابانی را تعیین و اعلام کنند. و طبعاً با اسم و رسم خود در تظاهرات شرکت میکنند.

حزب ما در موارد بسیاری چنین فراخوانهایی داده است. این فراخوان عمومی است و روشن است که همه احزاب و نیروها حق دارند با اسم و رسم و بنرهای و پلاکاردهای خودشان در این آکسیونها شرکت کنند. حضور احزاب در حرکتها اعتراضی امری نه تنها برحق بلکه ضروری است. این نشانه بلوغ سیاسی و تحزب و تعیین سیاسی یک جامعه است.

علاوه بر آکسیون های عمومی، بعضی از آکسیونها بوسیله فعالین یک حزب یا سازمان برگزار میشوند. اینها را میشود آکسیون های حزبی نامید. در این صورت حزبی که آکسیون - پیکت یا تخریب و یا تجمع و یا میتینگ و سخنرانی خیابانی و امثالهم - را سازمان داده حق دارد که موازین شرکت در آن حرکت معین را تعیین کند و شرکت کنندگان موظفند آنرا رعایت کنند. مثلا ما معمولا این ضابطه را داریم - و خیلی ها هم با ما هم نظر هستند - که در میتینگهای های خیابانی تریبونها و پودیوم های سخنرانی به اصطلاح خنثی باشند یعنی بنر و پرچم و علامت هیچ حزبی پشت صحنه نباشد. چون ممکن است سخنرانان از احزاب و یا گرایشات مختلف باشند و نه

ادامه از صفحه ۱۰

حمید تقوائی: در کشورهای غربی وقتی پرچم در تظاهرات ها و خیابانها، و نه در مراسم رسمی، بلند میشود معمولا علامت و نماینده نیروهای راست افراطی است. راست افراطی و نه حتی راست میانه. مثلا ترامپ و طرفدارانش تا همین امروز، سخنرانی ها و میتینگهای خیابانی شان مالا مال از پرچم آمریکاست به عنوان سمبل عظمت آمریکا و قدر قدرتی آمریکا و خارجی و پناهنده ستیزی و افتخارات و تقدس و تعصب ملی و نژادی و غیره. در آمریکا و کلا کشورهای غربی وقتی کسی با پرچم در تظاهرات شرکت میکند معمولا به کمبود وطن پرستی و افتخارات و عرق ملی و نژادی در جامعه اعتراض دارد.

البته مساله تنها به پرچم محدود نمیشود. مجسمه های به اصطلاح "سرداران ملی"، که حدود دو سال قبل در آمریکا و در انگلیس مردم در تظاهراتی ضد راسیستی آنها را پائین کشیدند و اسامی خیابانها و اماکن عمومی که نام آنها را بر خود داشت عوض کردند، از دیگر نمادها و افتخارات و آیکونهای نیروهای راست در این کشورها است. کلا عظمت طلبی، افتخار به گذشته، افتخار به ملیت و عرق و تعصب ملی که معمولا با نژادپرستی کاملا در هم می آمیزد از خصوصیات راست افراطی در همه کشورها است. پرچم هم در این چارچوب قرار میگردد. در مقابل، نقد و اعتراض به این سمبل ها و نمادهای به اصطلاح ملی از ویژگیهای نیروهای دمکرات، آزادیخواه، و چپ در این جوامع است.

در رابطه با نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی هم این را می بینیم. نیروهای اپوزیسیون راست که ادعای دموکراسی و آزادی و حقوق بشر و غیره دارند کنار راست افراطی در غرب قرار میگیرند. آخرین نمونه اش دفاع جانانه نیروهای اپوزیسیون راست از ترامپ است. ظاهرا به این خاطر که ترامپ تند تر و شدید تر از دموکراتها علیه

جمهوری اسلامی است، ولی بنظر من قضیه از این فراتر میرود. از نظر آرمانی، از نظر ایدئولوژیک، از نظر استراتژیک اینها با راست افراطی آمریکا در یک مدار قرار میگیرند، در یک جهت قرار میگیرند و همین پرچم دوستی ترامپ، افتخار به گذشته و خارجی ستیزی و بازگرداندن عظمت آمریکا و غیره، این معیارها و شعارها کاملا باب دل راست ایران هم هست. اینها هم عظمت طلب اند، اینها هم به دوره امپراتوری کوروش افتخار میکنند. منسوب کردن حقوق بشر به کوروش از فرط انساندوستی اینان نیست، بلکه از سر امپراتور دوستی آنها و در سر پروراندن رویای بازگشت به دوران عظمت امپراتوری عصر کوروش است.

بنظر من اگر آرمان و ارزشهای اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی را به انگلیسی ترجمه بکنید به ترامپسم و راست افراطی در غرب میرسید و نه به دموکراسی و لیبرالیسم و یا حتی راست میانه در غرب.

خلیل کیوان: نکته دیگر این است که چنین اختلاف نظرهایی سر پرچم و بحث ها گاه تنشهایی که حول حوش آن رخ میدهد در آکسیونها و تجمعات خارج از کشور است و بعد هم به فضای مجازی کشیده میشود ولی در تجمعات و اعتراضات داخل کشور شاهد بروز چنین اختلافات و مباحثی نیستیم؟ چرا اینطور است؟

حمید تقوائی: بنظر من این امر دو علت دارد. یک علت اینست که شرایط امنیتی در ایران و دیکتاتوری و سرکوب جمهوری اسلامی اجازه نمیدهد احزاب با اسم و رسم خودشان فعالیت کنند و در جامعه ظاهر بشوند. دلیل دیگر، که پایه ای تر و اجتماعی تر است، اینست که مبارزات و جنبشها در ایران حول خواستها، حول اهداف، و شعارهای کاملا آزادیخواهانه، برابری طلبانه، انسانی شکل میگیرد و به میدان می آید. شما در تظاهرات نمی بینید که مثلا

ارزشها و شعارهای راست مثل تمامیت ارضی، تاریخ ملی، نژاد آریایی، افتخارات دوهزار و پانصد ساله، عربستیزی، پرچم سه رنگ و نظایر اینها در بنرها و در سخنرانی ها در تظاهرات ها مطرح شود. در مبارزات معلمان، مبارزات کارگران، در مبارزات خانواده های جانبازان، جنبش دادخواهی، جنبش علیه تخریب محیط زیست، جنبش زنان علیه حجاب و علیه قوانین اسلامی کلا در جنبشهای اجتماعی آن چیزی که مردم را دور هم جمع میکند و فعالین را به حرکت درمی آورد خواستهای انسانی است که طبق تعریف جهانشمول هستند، ایرانی گری و پرستش آب و خاک و تاریخ ملی، نیاکان و غیره در این حرکتها خیابانی جایی ندارد. آزادی، رفاه برابری آخرین معیارها و موازین فرهنگی اخلاقی مدرن و جهانشمول اینها موتور حرکت و مضمون اعتراضات مردم است. به این معنا این نوع معیارهای راست که برمیگردد به آب و خاک و تقدس و عظمت طلبی و کوروش کبیر و غیره اینها نمیتواند طبق تعریف جایی در اعتراضات توده ای مردم داشته باشد. به همین خاطر ما نمی بینیم مساله پرچم و غیره بین فعالین در داخل ایران اختلاف بیاندازد و به بحثی منجر بشود. ممکن است تعدادی از فعالین طرفدار سلطنت باشند، ممکن است راست باشند، ولی وقتی مردم در اعتراضات متحدی به خیابان میآیند، مثل تظاهراتهای اخیر در اصفهان و یا در خوزستان و یا خیزشهای توده ای ۹۶ و ۹۸، می بینیم این تظاهراتها و اعتراضات حول خواستهای انسانی و پایه ای مردم شکل میگیرد که در دیدگاهها و سیستم ارزشی راست جایگاه چندانی ندارد.

خلیل کیوان: بر اساس موازینی که برای آکسیونها و تظاهراتها صحبت کردید ممکن است شما در تظاهرات بروید که جریان دیگری که چپ هم نیست برگزار کرده باشد و یا برعکس در آکسیونی که حزب کمونیست

کارگری برگزار میکند کسی از جریانات راست حضور داشته باشد. به این دلایل حزب را متهم میکنند که با احزاب راست متحد شده است، درباره این چه نظری دارید؟

حمید تقوائی: این نوع مدعیان ما معمولا نیروهای هستند که جایگاه یا موقعیتی در فعالیتهای خیابانی ندارند، منزه طلبانی که در پیاده روی می ایستند و در هیچ حرکتی شرکت نمیکنند چون با معیارهای اسکولاستیکی و منزه طلبانه آنها جور در نمی آید. آخرین نمونه همین حرکت اخیر در وین است. نیروهای چپ در وین کم نیستند ولی متاسفانه ما ندیدیم کسی غیر از فعالین حزب ما در این حرکت شرکت کند. یا حتی حمایت کند. این نوع نمونه ها کم نیست. من برای حرف اینها ارزش چندانی قائل نیستم چون نتیجه سیاستها و مواضعشان را میبینم. افرادی که یا به هیچ حزب و گروهی تعلق ندارند و یا به سازمانهایی متعلق اند که جایگاهی در مبارزات جاری چه در خارج و چه در داخل ایران ندارند.

بر عکس این نیروها، شیوه و سیاست عملی مادر آکسیونها، چه وقتی که آکسیونی را فراخوان میدهیم و چه وقتی در آکسیونی شرکت میکنیم، هدف، جایگاه، مضمون، و شعارهای سیاسی آن حرکت معین است؛ همانطور که کل جامعه به حرکتها اعتراضی نگاه میکند. اگر هدف و امر حرکتی را برحق و درست میدانیم، انسانی میدانیم، جزیی از پلتفرم و سیاستهای حزب میدانیم، در آن شرکت میکنیم و تلاش میکنیم آن حرکت را هر چه چپ تر و رادیکال تر کنیم.

برای اینکه روشن باشد که ما چه میگوییم اعتراضات جاری در ایران مثلا اعتراض معلمان را در نظر بگیرید. اینکه کدام معلم و یا فعال این جنبش به کدام حزب متعلق است معیار ما نیست. مهم اینست که جنبش معلمان خواستهای کاملا انسانی پیشرو مترقی و رادیکالی را مطرح کرده است و این خواستها مورد تأیید ما

است. به همین دلیل فعالین حزبی وظیفه خود میدانند با تمام توان در این حرکت شرکت کنند و این حرکت را تقویت کنند.

نمونه های دیگر که به خارج کشور مربوط میشود آکسیونها و کارزارهایی مثل کارزار نجات سکینه محمدی آشتیانی یا ریحانه جباری یا دفاع از پناهندگان و مبارزه علیه قوانین شریعه و غیره است. وقتی ما چنین کارزارهایی را سازمان میدهیم فراخوانمان به همه فعالین اینست که به آن بیوندند. شناسنامه حزبی و گرایش کسی را نگاه نمیکنیم. فعالی که مثلا پلتفرم ما برای نجات سکینه محمدی آشتیانی را قبول میکرد میتوانست در آن حرکت شرکت کند. مینا احدی ابتکار و رهبری این حرکت را در دست داشت اما کارزاری فرا حزبی بود که فعالین با گرایشات مختلف در آن شرکت داشتند. این کارزار به حرکت گسترده جهانی بدل شد. حرکت موفقی که به نجات جان سکینه و توقف عملی سنگسار در ایران منجر شد اما متاسفانه آن زمان هم ما ندیدیم از این نوع چپهای مدعی در آن حرکت عظیم شرکت کنند و یا حتی از آن حمایت کنند. به شیوه همیشگی شان در پیاده روی ایستادند و به ما خرده گرفتند.

این تنها یک نمونه از شیوه و سیاست ما در رابطه با فعالیتها و حرکتها اعتراضی است. نمونه ها زیاد است ولی فکر کنم همین یک مثال برای نشان دادن تفاوت ما با چپ منزه طلب کافی باشد.

۲۷ ژانویه ۲۰۲۰

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

شبح انقلاب اکتبر ۲۰۱۹ بر تحولات سیاسی در عراق



عبدل گلپریان

در اکتبر ۲۰۲۱ انتخابات پارلمانی عراق برگزار شد. بنا به گزارشات ۷۰ درصد از مردم این کشور در این نمایش که کمترین ربطی به تغییر در زندگی و معیشت آنان نداشت شرکت نکردند. جنبه خیرساز و جالب این انتخابات این بود که جریان الفتح و دیگر دستجات شیعی وابسته به جمهوری اسلامی در این انتخابات شکست سنگینی متحمل شدند. شکست خوردگان برای چند روزی مرکز شهر بغداد را قرق کردند. به منزل محمد کاظمی حمله موشکی کردند و تلاش داشتند با قلدری و ناامن کردن هرچه بیشتر عراق شکست و درماندگی خود را جبران کنند. اما راه به جایی نبردند. اکنون و بعد از گذشت چهار ماه، احزاب پارلمانی سرگرم تقسیم قدرت و پست های کلیدی در راس حاکمیت این کشور هستند.

بعد از سرنگونی رژیم صدام و بنا بر یک توافق ضمنی که هیچگونه سندیت قانونی ندارد و بر اساس سنت های قومی، عشیره ای و اسلامی، توافقاتی نانوشته در میان احزاب پارلمانی صورت گرفت که بر مبنای آن، پست ریاست مجلس از آن سنی، پست نخست وزیر سهم شیعه و صندلی رئیس جمهور متعلق به احزاب ناسیونالیست کرد باشد. بر همین روال در اوایل ژانویه ۲۰۲۲ محمد حلبوسی که پیشتر رئیس پارلمان عراق بود مجدداً از سوی احزاب پارلمانی به عنوان رئیس

پارلمان عراق تعیین شد. اکنون قرار است دو پست کلیدی دیگر یعنی ریاست جمهوری و نخست وزیری هم طبق همان توافقات ضمنی تعیین و سپس کابینه دولت جدید نیز تعیین شوند.

جریان مقتدی صدر که بیشترین کرسی های پارلمان عراق را در اختیار دارد به احتمال زیاد همچنان محمد کاظمی نخست وزیر فعلی را کاندید خود برای این پست معرفی خواهد کرد. از سوی دیگر اتحادیه میهنی کردستان که طبق همان توافق فوق الذکر از سال ۲۰۰۳ پست ریاست جمهوری را به ارث برده است، همچنان داعیه این پست را دارد و با معرفی مجدد برهم صالح از اتحادیه میهنی او را به عنوان کاندید این حزب معرفی کرده است. اما اینبار حفظ ریاست جمهوری برای اتحادیه میهنی به این سادگی نیست. اتحادیه میهنی در این دوره با چالش جدیدی از سوی حزب بارزانی روبرو است. از آنجا که در انتخابات اخیر بعد از جریان مقتدی صدر دومین حزب پارلمانی از نظر کسب کرسی های پارلمان عراق حزب بارزانی بوده است، و از سوی دیگر این حزب با مقتدا صدر ائتلاف قابل توجهی را تشکیل داده است، اینبار کاندید خود برای ریاست جمهوری عراق را به تنهایی و بدون توافق با اتحادیه میهنی معرفی کرده است.

حزب بارزانی با شعار "منافع ملت کرد" به اتحادیه میهنی پیام داده است که نمی توان و نباید این پست متعلق به یک حزب معین باشد و هر چهار سال یکبار اتحادیه میهنی صاحب آن شود. لذا از آنجا که صدر و بارزانی ائتلافی بزرگ از نظر کرسی های پارلمان را در دست دارند، حزب دمکرات این را حق خود می داند و تلاش می کند این پست را از آن خود کند و به همین منظور

هوشیار زیباری از رهبری این حزب را کاندید پست ریاست جمهوری عراق کرده است.

اکنون مسئله پست ریاست جمهوری تنش بین اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق را دامن زده است. علاوه بر این حزب دمکرات کردستان عراق از هم اکنون خود را آماده کرده است که در انتخابات آینده پارلمان اقلیم کردستان نیز موقعیت بسیار برتری از اتحادیه میهنی برای خود کسب کند که فعلاً موضوع این نوشته نیست.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی که نزدیکترین روابط با اتحادیه میهنی را طی دو دهه اخیر داشته است برای جبران شکستهایش در عراق به تکاپو افتاده است. از یک سو قانای فرمانده سپاه قدس را به دیدار با مقتدا صدر و مسعود بارزانی می فرستد و از سوی دیگر هادی عامری سرکرده دارودسته حشد الشعبی در بغداد را روانه اربیل برای دیدار با بارزانی می کند تا بلکه شکستهای خود در عراق را اندکی جبران کند. در ارتباط با این تحولات روز چهارشنبه ۲۶ ژانویه سه موشک بسوی منزل محمد حلبوسی رئیس پارلمان عراق در منطقه گرمه در استان انبار شلیک شد که در اثر آن یک کودک پنج ساله زخمی شد. بر کسی پوشیده نیست که جریانات طرفدار جمهوری اسلامی برای دستیابی به سهم از دست رفته گذشته خود تنها به دیدار و رایزنی با احزاب پارلمانی قناعت نمیکنند بلکه با تروریسم و موشک پرانی به نقاط مورد نظر خود همچنان در تلاش برای جبران ناکامی های خود هستند.

در تحولی دیگر مقتدا صدر نمی خواهد حزب قانون نوری مالکی و بدرجاتی جریان شیخ خزعلی که در رکاب جمهوری اسلامی قرار دارند در قدرت شریک

باشند و این هم یعنی محدودیت هر چه بیشتر برای جمهوری اسلامی. بعد از مناقشه ای که بعد از تعیین رئیس پارلمان رخ داد، احزاب طرفدار جمهوری اسلامی برای ایجاد تنش هرچه بیشتر تلاش کردند. این اولین جلسه بعد از انتخابات پارلمانی را مغایر با موازین قانونی اعلام کنند و به همین منظور به دادگاه عالی عراق شکایت کردند. دادگاه عالی عراق نیز بعد از گذشت یک هفته روز سه شنبه ۲۵ ژانویه شکایت طرفداران حکومت اسلامی مبنی بر عدم مشروعیت جلسه اول پارلمان را بی اساس اعلام کرد. اکنون قرار است روز سه شنبه هشتم ماه فوریه انتخابات برای تعیین رئیس جمهور عراق در پارلمان این کشور برگزار شود و پارلمان عراق به یکی از این دو کاندید، (برهم صالح رئیس جمهور کنونی از اتحادیه میهنی و هوشیار زیباری وزیر خارجه سابق عراق از حزب دمکرات کردستان) برای پست ریاست جمهوری رای دهد. با توجه به ائتلاف جریان صدر با حزب دمکرات که بیشترین کرسی های پارلمان را در اختیار دارند و همچنین سمپاتی برخی از احزاب دیگر در این ائتلاف، به نظر می رسد هوشیار زیباری با آرای بسیار بیشتری در مرحله اول یا دوم به عنوان رئیس جمهوری عراق تعیین شود.

حضور فعال مردم در میدان

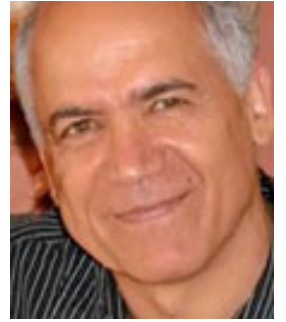
اما تحولات در عراق تنها شامل ایفای نقش احزاب حاکم و رقابتهای آنان برای کسب کرسی و تقسیم ثروت و سامان مردم عراق بین این احزاب نیست. یک نیروی عظیم، نیروی مردم در عرصه تحولات سیاسی عراق حضور دارد که در اصل کشاکشهای موجود بین احزاب پارلمانی را این غول عظیم مردمی به آنان تحمیل کرده است. مردم عراق با هدف دست

یابی به جامعه ای مرفه آزاد، برابر و سکولار برای تک تک شهروندان این کشور، ماهها میدانهای التحرییر و بسیاری از شهرهای عراق را در دست داشتند. مردم برای رسیدن به آرزوهایشان هزینه سنگینی پرداخت کرده اند. کشته، زندانی و معلول داده اند. آنان کوتاه نیامده و کوتاه نخواهند آمد. انقلاب اکتبر ۲۰۱۹ در عراق صفحه بازی شطرنج احزاب قومی، ناسیونالیست و اسلامی را برهم زد و موقعیت جمهوری اسلامی در این کشور را با شکست، استیصال و درماندگی مواجه کرد. دوران شیوع ویروس کرونا برکتی برای حاکمان در حال سقوط بود که بر روند ادامه خیزش انقلابی مردم عراق تأثیر منفی تعیین کننده ای بر جای گذاشت. اما علی رغم اینها مردم عراق همچنان در میدان هستند. مردم اعمال و حرکتیهای احزاب حکومتی در پارلمان عراق برای تقسیم قدرت و ثروت را ذیر ذره بین قرار داده اند. احزاب اسلامی، قومی و عشیره ای حاکم بر عراق همچنان خشم، تنفر، اعتراض مردم و سایه سنگین شبح انقلاب اکتبر ۲۰۱۹ را بر دوش خود احساس می کنند.

خیزش انقلابی مردم در اکتبر ۲۰۱۹ فعلاً تا همینجا جمهوری اسلامی را در عراق زمین گیر کرده است. مردم قدرت خود را دریافته اند در صدد این هستند بعد از اتمام نمایش تقسیم قدرت در بالا، با طرح مجدد و محکم تر آرمانها و آرزوهای اکتبر ۲۰۱۹ بار دیگر میادین شهرها را به تصرف خود درآورند و تا رسیدن به مطالبات انسانی خود و برخورداری از یک زندگی شایسته انسان امروز از پای نخواهند نشست.

۲۶ ژانویه ۲۰۲۲

رسوایی جنسی رهبران مذهبی



اصغر کریمی

گفته است.

در هفته‌های گذشته بار دیگر این مساله انعکاس وسیعی در رسانه‌ها یافته و فشار برای «خلع لباس» این پاپ در میان کلیسایان بالا گرفته است. کلیساها و رهبران آن نیز با رسوایی جنسی و اخلاقی بیشتری مواجه شده‌اند.

مساله به افشای حداقل ۵۰۰ مورد سوء استفاده جنسی از کودکان توسط صدها کشیش در چند دهه قبل برمیگردد. پاپ در نشست برای بررسی این مساله در سال ۱۹۸۰ حضور داشته اما علیرغم رو شدن جنایات کشیش‌ها علیه کودکان، کشیش پدوفیل را ارتقاء

مقام داده است. چند سال بعد خود او نیز به دلیل این سوابق درخشان! بالاترین مقام کلیسا یعنی رهبر جهانی کلیسای کاتولیک را کسب کرد. این واقعه به تنهایی کل ماهیت کلیسا و رهبران آن و فسق و فجور و بیرحمی آنها را به دنیا نشان داد. بی‌جهت نیست که آمار رشد خداناباوری و ترک کلیساها به دهها میلیونها نفر در سال رسیده است. سوال واقعی اما این است که چرا علیرغم اینهمه جنایت علیه کودکان هیچ دولتی نه دولت آلمان و نه دول فرانسه که آمار تکان دهنده تری در مورد تجاوز کشیش‌ها به کودکان در فرانسه منتشر کرده اند هیچکدام

حاضر به کشاندن کشیش‌ها و این پاپ دروغگو، که تلاش کرده جلو روشن شدن حقایق را بگیرد، به دادگاه نشده اند؟ چرا با کلیسا و مقاماتش مماشات میکنند؟ چرا با پاپ و کشیش‌ها مانند هر شهروند دیگری برخورد نمیکنند؟ چرا حقوق ویژه ای برای آنها قائلند؟

در مورد ایران و سایر کشورهای اسلام زده این مساله حتی ابعاد به مراتب عمیق تری دارد. در این کشورها آیت الله‌ها و حکومت‌های اسلامی تجاوز به کودکان را به قانون مقدس اسلام تبدیل کرده اند و در نتیجه تجاوز شرعی به کودکان در ابعاد میلیونی

صورت میگیرد.

مردم غرب در قرون گذشته مسیحیت را از قدرت انداختند و دست کلیسا را کم و بیش از زندگی‌شان قطع کردند و امروز باید با بقایای آن همچون حقوق ویژه برای کلیساها و پاپ‌ها بجنگند. اما در کشورهای شرق زده و پیشاپیش آنها در ایران، انقلاب عظیمی برای پایان دادن به صنعت فاسد و سراپا جنایت اسلام و حکومت‌هایش از سالها قبل شروع شده و با قدرت جلو میرود. سرعت فرار از مذهب و بطور مشخص مذهب اسلام نیز بارها از سرعت فرار از مسیحیت بالاتر است. ۲۵ ژانویه ۲۰۲۲

تپاپ ژوزف راتسینگر که هشت سال رهبر کلیسای کاتولیک بود ابتدا منکر حضور خود در نشست مربوط به سوء استفاده‌های جنسی کشیشان از کودکان شد، اما پس از علنی شدن صورتجلسه نشست مجبور شد اعتراف کند که دروغ

آتنا دائمی، محبوب توده‌های مردم، آزاد شد



آتنا اما با جسارت و سربلندی در مقابل زندانبانان ایستاد و بدون یک روز مرخصی هفت سال زندان را پشت سر گذاشت و با افتخار و در حالیکه در قلب میلیون‌ها نفر جا گرفته است، امروز به آغوش خانواده اش بازگشت.

روزی که با شروع انقلاب عظیم و آزادیبخش مردم، در زندان‌ها شکسته شود و همه زندانبان سیاسی به آغوش خانواده هایشان بازگردند، دور نیست. حزب کمونیست کارگری همه مردم را به گسترش مبارزه برای آزادی کلیه زندانبان سیاسی و عقیدتی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری
ایران

۴ بهمن ۱۴۰۰، ۲۴ ژانویه
۲۰۲۲

حبس و به اتهام اخلاق در نظم زندان به یک سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. سپس برای تحت فشار قرار دادن او و خانواده اش، او را از ۲۶ اسفند سال قبل از زندان اوین به زندان لاکان رشت تبعید کردند و او را با دستبند و پابند به آنجا منتقل کردند. چند روز قبل پدرش با انتشار یادداشتی در اینستاگرام خود نوشت:

۱۰ ماه از تبعید آتنا عزیزم به زندان لاکان رشت گذشت و ما همچنان برای دیدن آتنا گاهی هر هفته یا دو هفته یک بار هشتصد کیلومتر مسیر رفت و برگشت را باید طی کنیم تا آتنا را ببینیم. زندانبانان حتی برای مدتی امکان تماس تلفنی آتنا با خانواده اش را قطع کردند و خانواده اش نیز تحت فشارهای نیروهای امنیتی رژیم قرار گرفتند و از جمله خواهرانش اینسه و هانیبه به تحمل سه ماه حبس تعلیقی محکوم شدند.

ظهر امروز دوشنبه ۴ بهمن آتنا دائمی از زندان لاکان رشت آزاد شد. حزب کمونیست کارگری به همه مردمی که آتنا در قلبشان جا گرفته است و بویژه به مادر و پدر و خواهران گرمی اش که امروز با افتخار آتنا سربلند را در آغوش گرم خود گرفتند، صمیمانه تبریک میگوید.

آتنا دائمی، این چهره آزاده و آزادیخواه، فعال حقوق کودک، فعال علیه اعدام، مدافع حق تحصیل شهروندان منتسب به بهائیت و مدافع حقوق زنان یکبار در مهر سال ۱۳۹۳ به مدت ۱۶ ماه زندانی شد و سپس در مهر ۹۵ بازداشت شد و تا امروز در زندان بود. اتهامات آتنا تبلیغ علیه نظام و توهین به خامنه‌ای بود. در تیرماه سال گذشته نیز در پرونده‌ای دیگری با شکایت وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه، بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkiki](https://t.me/wpi_hkiki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

بلکه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و و دفاع از آزادی قلم را نیز به مرکز جنبش سرنگونی طلبانه مردم خواهد راند.

تحصن و اعتصاب زندانیان سیاسی در ایران در اعتراض به قتل بکتاش آبتین، هم اکنون با حمایت جهانی روبرو شده است. یک بروز آن گردهمایی و اعتصاب غذا و تحصن جاری آزادیخواهان و فعالین و چهره های سرشناس در شهر وین است. و این هنوز از نتایج سحر است. مطمئن باشید با قتل بکتاش آبتین اعتراضات در ایران و جهان هر روز گسترده تر و کوبنده تر به پیش خواهد رفت و به کابوسی برای حکومت شما تبدیل خواهد شد. باندازه کافی باد کاشته اید، طوفان زیر و رو کننده از راه میرسد!

۱۷۶ نفر انسان بیگناه را " در هوا زدید" و خانواده های آنان، و هزاران هزار نفر انسان آزاده را در ایران و در سطح جهان علیه حکومت جنایتکاران بسیج کردید. امروز انجمن خانواده های جانباختگان پرواز پی اس ۷۵۲، در کنار مادران خاوران و مادران آبان ستون فقرات جنبش عظیم دادخواهی را تشکیل میدهند. مطمئن باشید قتل بکتاش آبتین نیز موج اعتراضی تازه ای را دامن خواهد زد که نه تنها دادخواهی از قتل‌های زنجیره ای و قتل خاموش زندانیان،

حکومت شما فی الحال در دادگاههای بین المللی آغاز شده است. چند ماه قبل دادگاه عالی ایالت انتاریو کانادا حکم به محکومیت خامنه ای و سران سپاه به جرم شلیک به هواپیما داد، بیش از شش ماه است دادگاه حمید نوری، همدست رئیس جمهور جلاذتان در کشتار ۶۷ که در استکهلم در جریان است، گوشه ای از پرونده سیاه جنایات شما را در برابر چشم جهانیان قرار داده است، و دور دوم دادگاه آبان تریبونال نیز در راه است.

این قاتلان وقیح گفت مردم خواهان عذرخواهی شما نیستند، خواهان بزرگ کشیدن و محاکمه تان هستند. تا همین جا رسوای عام و خاص شده اید. محاکمه وقیح عالیقدر و دیگر سران جنایتکار



معذرتخواهی لازم نیست، گورتان را گم کنید!



0046739681438

تماس با ما در تلگرام و سیگنال

@javanan.komonist

@javanankomonist

@cyo.sjk

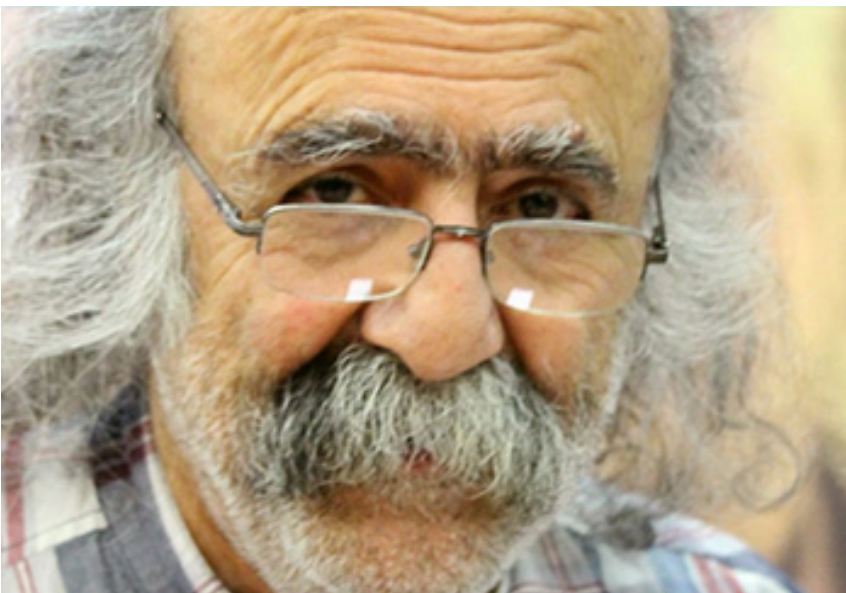
@javanan.komonist

آخرین خبر از زندان:

شخص امنیتی با تمسخر به اعتصابیون گفت " ۱۷۶ نفر را در هوا زدیم نه کسی استعفا داد نه کسی عذرخواهی کرد بکتاش که یکنفر بود دست از توهم بردارید." شرم نمیکنند! باید به

امروز طی صحبتی که رییس زندان تهران بزرگ و یکی از افراد امنیتی با اعتصابیون در زندان داشتند باز هم از آنها خواستند که اعتصاب را بشکنند و در نهایت آن

پیام کیوان صمیمی از درون زندان در سالگرد تیرباران دو برادرش در رژیم سابق و حکومت اسلامی ایران



« سه پرنده بودیم و هم آوا. فرا رسید سالروز به مسلخ بردن دو پرنده‌ی عاشق. ۵۰۴ بهمن دو برادرم جان فدا کردند در راه عدالت و آزادی. ۴ بهمن ۵۴ ساسان و ۵ بهمن ۶۱ کامران تیرباران شدند و دو بال شکست.

یکی با استبداد چکمه در افتاد و دیگری با استبداد نعلین. تنها من ماندم با بال‌هایی شکسته. پرواز آیا ممکن است؟

#کیوان_صمیمی

زندان اوین
بهمن ۱۴۰۰

آری تا عشق هست، پرواز هم هست. عشق به انسان و شکوفایی ناشی از تولید

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۴

محکومیت توماج صالحی به شش ماه حبس تعلیقی جریمه نقدی



سال تعلیق شده است.

توماج ۲۱ شهریور امسال در پی هجوم ماموران امنیتی در خانه‌اش بازداشت و چند روز بعد با قرار کفالت آزاد شد. توماج صالحی در دو اثر خود به نام‌های «زندگی نرمال» و «سوراخ موش بخر» به سیاست‌های جمهوری اسلامی و برخی حامیانش اعتراض کرده و ویدیوهای رپ او با استقبال گسترده‌ای روبرو شده است.

توماج صالحی، خواننده مردمی رپ اعتراضی، خبر داده است که دادگاه درباره «اتهامات توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام» که علیه او مطرح شده بود، رای به جریمه نقدی و شش ماه حبس تعلیقی داده است.

او در توییتری که در این زمینه منتشر کرد، جزئیات بیشتری از حکم خود نداده است ولی نوشته است که حکم حبس او شش ماه بوده که به مدت یک

محاکمه فعالان توییتری

در میدیا اجتماعی اضافه میشود . جمهوری اسلامی با این بگیروبیندها نمی‌تواند از خیزشی که به راه افتاده و تا سرنگونی رژیم ادامه خواهد داشت جلوگیری کند.

از زنان گرفته که با کلیپ‌هایی از آواز خواندن، رقصیدن، دوچرخه سواری و... تا کودکانی که تصاویرشان از نفرت اسلامی در میدیا منتشر میشود.

اما نقطه قوت این مبارزات علیه جمهوری اسلامی حضور فعالینی است که با اصل حاکمیت مخالف هستند و شعارشان براندازی رژیم است و روزانه به تعداد آنها

سیاسی، کارگری، مدنی و اجتماعی است تا بتوانند علیه هرگونه بی‌حقوقی، تبعیض و خفقان حاکم بر جامعه مبارزه کنند.

جامعه ایران تحت حاکمیت رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی در این عرصه بی‌شک مخاطبین زیادی دارد که با قوانین اسلامی و اصل حاکمیت مخالف هستند

۲۰۰ میلیون تومانی و برای بعضی که به «توهین به مقدسات» متهم شده‌اند، وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی تعیین شده است. به گفته فرد مطلع، «کار اجباری» به عنوان حکم صادره برای برخی از این فعالان توییتری در نظر گرفته شده است. رادیو آمریکا

میدیای اجتماعی بستری برای معترضین و فعالین

یک منبع مطلع روز سه شنبه به بخش فارسی صدای آمریکا گفت که «حدود ۵۰ نفر» از فعالان توییتری در دادگاه انقلاب اسلامی تهران مورد محاکمه قرار گرفتند و اغلب آنها با سپردن «فیش حقوقی» به عنوان کفالت، آزاد شدند. بنا بر این گزارش، برای برخی از این افراد که اتهام آنها «اقدام علیه امنیت ملی» بوده، قرار وثیقه

حمید صداقت

آزادی آتنا و شادی مردم



صورت بررسی و موافقت با آن، آزادم کنند!! اما من که آزادی بی قید و شرط را حق خود و زندانیان سیاسی و عقیدتی میدانم، نه تنها هرگز بابت آزاد اندیشی و آزادیخواهی، طلب عفو از شب نهادان زمانه نخواهم کرد، بلکه مصمم تر از قبل به راهم ادامه خواهم داد، و به آنها متذکر می‌شوم: «این شما هستید که باید از مردم طلب عفو و بخشش کنید».

این پاسخ همه مردمی است که آتنا دائمی در قلبشان جای دارد و فضای جامعه بروشنی نشان میدهد که این مردم مصممند تمامی زندانیان سیاسی را هرچه زودتر از چنگال این حکومت منحوس، آزاد نمایند و سر دست بلند کنند.

کاظم نیکخواه

۲۵ ژانویه ۲۰۲۲

یک خبر بسیار خوش این روزها آزادی آتنا دائمی بود. روز گذشته شمار زیادی از فعالین اجتماعی به دیدار آتنا رفتند و از او قدردانی کردند. و دیدارها علیرغم جو امنیتی ادامه دارد. آتنا برآستی در قلب میلیونها انسان جای دارد. جمهوری اسلامی تلاش بسیار کرد که این دختر جوان را به زانو در آورد اما نتوانست. آتنا هفت سال از جوانیش را در زندانهای مختلف حکومت گذراند. او سال گذشته در پاسخ به حکومتیان که از او خواسته بودند «طلب عفو» کند چنین پاسخ داد: شش سال از بهترین سال‌های عمرم با شکنجه‌های بسیار پشت میله های زندان گذشت، چون در برابر کسانیکه ۴۲ سال جنایت کرده و به انحاء گوناگون مردم را به کام فقر و حبس و مرگ کشیدند، ایستادم. حال در کمال بیشرمی از من میخواهند درخواست عفو بنویسم!، تا در

اطلاعیه های حزب



دستگیری و محکومیت نرگس محمدی را شدیداً محکوم میکنیم

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

نرگس محمدی طبق خبری که تقی رحمانی، همسر او، منتشر کرده، در دادگاهی ۵ دقیقه‌ای به ۸ سال زندان و بیش از ۷۰ ضربه شلاق و دو سال ممنوعیت از ارتباط مخابراتی محکوم شده است. این حکم علاوه بر محکومیت ۲۰ ماه زندان و ۸۰ ضربه شلاق است که در خردادماه برای نرگس محمدی

صادر شده است. لازم به توضیح است که نرگس محمدی بارها دستگیر شده و بیش از ۵ سال در زندان بوده است. او در بیدادگاه‌های حکومت به اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، تبلیغ علیه نظام و یا تحصن در دفتر زندان و ترمز

از ریاست و مقامات زندان و افترا و غیره متهم شده و توسط زندانبانان مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. حزب کمونیست کارگری دستگیری و محکومیت‌های نرگس محمدی از جمله حکم جنایتکارانه شلاق را شدیداً محکوم میکند. روزی که با

انقلاب عظیم مردم ایران در زندانها شکسته شود و کلیه زندانیان سیاسی، کارگران و معلمان زندانی، اعضای کانون نویسندگان، زنان معترض و زندانی، زندانیان عقیدتی و کلیه زندانیان سیاسی آزاد شوند و توسط عزیزانشان در آغوش گرفته شوند دور نیست. نرگس محمدی و کلیه زندانیان

سیاسی و عقیدتی باید آزاد شوند. حزب مردم آزاده را به گسترش مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ بهمن ۱۴۰۰، ۲۴ ژانویه ۲۰۲۲

گسترش بازداشت معلمان معترض و کارزارها

با گسترش اعتراضات در میان معلمان تهدیدات امنیتی بر روی معلمان افزایش یافته است. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران برخورد امنیتی با فرهنگیان را محکوم نموده خواستار آزادی بدون قید و شرط تمام معلمان دربند شده است. مواردی از دستگیری های معلمان در هفته اخیر عبارتند از:

دادسرای بجنورد روانه زندان مرکزی بجنورد شد. او همچنین به جریمه دو میلیون تومانی محکوم شده است.

صبح روز چهارشنبه ۲۹ دی ۱۴۰۰ محمد تقی فلاحی دبیر کل کانون صنفی معلمان تهران برای اجرای حکم شش ماه حبس خود توسط نیروهای امنیتی در منزلش بازداشت و روانه زندان شد.

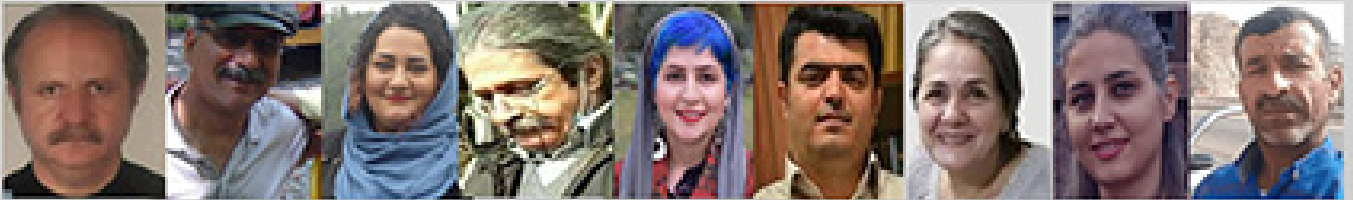
محمد تقی فلاحی بهمن ماه ۹۸ بخاطر فعالیت های مبارزاتی خود بازداشت شده بود و در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به دو سال حبس محکوم شده بود و بدنبال اعتراض وی و اعتراض گسترده در میان معلمان این حکم در دیوان عدالت

اعلام همبستگی کردند.

به شش ماه کاهش یافت. کانون صنفی معلمان تهران طی بیانیه ای ضمن محکوم نمودن بازداشت دبیرکل این تشکل، خواهان آزادی بی قید و شرط وی و سایر معلمان دربند شده و هشدار داده است که در صورتی که این روند سرکوب و اذعاب ادامه یابد حاکمیت با اعتراضات گسترده تشکل‌های صنفی و معلمان روبرو خواهد شد. همچنین تشکل‌های معلمان از شهرهای مختلف دستگیری محمد تقی فلاحی را محکوم کرده اند. یکی دیگر از اشکال حمایت از بازداشت شدگان دیدار با خانواده های آنهاست و در همین رابطه در روز اول بهمن جمعی از معلمان و فعالین اجتماعی با خانواده محمد تقی فلاحی دیدار و

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، معلمان را به دو مرحله اعتصاب و تجمعات گسترده و سراسری به عدم پاسخگویی مطالباتشان فراخوان داده است. یک موضوع اعتراض معلمان اعتراض به امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص بسته شده تمامی پرونده های امنیتی است. علاوه بر محمد تقی فلاحی، مریم کبیری و حسین رمضانپور شمار دیگری از معلمان از جمله اسماعیل عبدی، محمدرضا رمضان زاده، یعقوب یزدانی، ناهید فتحعلیان، زینب همرننگ، معصومه عسکری، هاشم

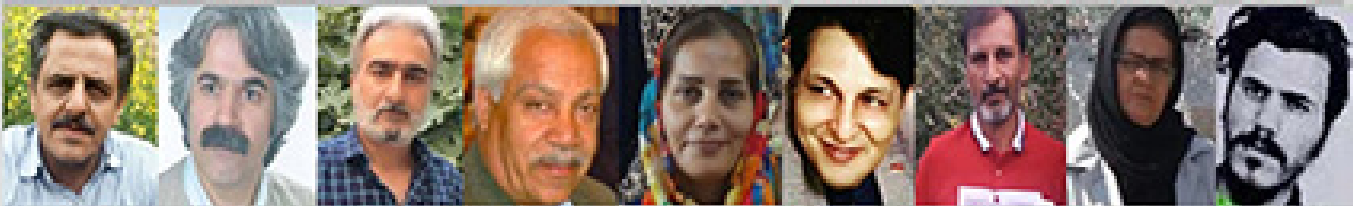
FREE THEM NOW ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO



MEHRAN BALUCH SHAPOUR EHSANI RAD ALTEHA DAEMI ENNAJ, GERANI SEPIDEH GHOLYAN ESMAIL ABDI NAHID TAGHIAN BANARESH SOLEYMAN ARBAS DEJIS



ABOLFAZL GHORBALI ARASH JONARDI SHADI ORAJI MOHAMMAD FARAJI ALI TIRAKHI JETNAS HANRANJI SHAPOURGH ABOORIS NAJAFI MOHAMMAD KOTYAN RAMAN SOHAYE KARZAR



MASOUMEH MOJIB FARAH ABBAS KANEJAN FARSHAD KHAESTANI NURYAH KASBI YAGHOOB YALZANI M. KURAMAZANZADEH NAHID FATAHIAN MOHAMMAD ARKANI

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

Shahla.daneshfar2@
gmail.com

<https://free-them-now.com>

محمدحسین خاکسار، سپهری و محمد درکیان در زندان بسر میبرند. تمامی معلمان زندانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. معلمان یک نیروی مهم جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش علیه امنیتی کردن مبارزات و بسته شدن پرونده های امنیتی و جنبش علیه قتل های خاموش در زندان و اعتراض علیه وضعیت اسفناک زندانها هستند. از جمله مبتکر کارزارهای قدرتمند برای آزادی معلمان زندانی هستند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از این اعتراضات و کارزارها وسیعاً حمایت میکند.

تلخیصی از چند اطلاعیه خبری حزب

کارگران پتروشیمی مروارید در فاز ۲ صنایع پتروشیمی عسلویه نیز به دلیل عدم پرداخت پنج ماه حقوق توسط پیمانکار و خلف وعده ها دست از کار کشیدند و در محل کارگاه تجمع کردند.

اعتصاب کارگران پتروشیمی رازی و ادامه اعتراضات کارگران پروژه سد سفارود

اعتصاب کارگران پتروشیمی رازی

این کارگران به وضعیت بد معیشتی و کاری و نداشتن امنیت شغلی و عدم ایمنی محیط کار و قرار داشتن دائم در معرض آلودگی شیمیایی ناشی از دپوی گوگرد است. در این اعتراضات هشت نفر از کارگران به اسامی هادی سرحانی، سید هاشم شبیبی، محمدرضا صالحی، علی البوغیبش، مهدی طبیعی، احمد عساکره، توفیق احمدی و علی ساجدی ممنوع الورد شده اند و کارگران با اعتصاب خود خواهان بازگشت به کار همکاران اخراجی خود هستند. در همین روز

- روز ۵ بهمن کارگران پتروشیمی ایلام در اعتراض به قرار گرفتن اسم ۲۰ نفر از همکارانشان در لیست اخراج و قراردادهای برده وار کاری دست از کار کشیدند. بنا بر خبر با قراردادهای جدید پانزده روزه کارگران فقط نیمی از ماه را حقوق میگیرند و این موضوع به مساله داغ اعتراض در میان این کارگران تبدیل شده است.

- روز ۵ بهمن کارگران پتروشیمی رازی سریندر برای دومین روز دست به اعتصاب زدند. اعتراض

بالا بردن استاندارد زیستی و کاری و ایمنی محیط کار از جمله خواسته های اعلام شده کارگران نفت در مبارزاتشان است. سر تیتز برخی از اعتراضات امروز را اینجا ملاحظه میکنید:

- روز چهارشنبه ۶ بهمن بیش از ۱۸۰۰ نفر از کارگران پیمانکاری پالایشگاه تندگویان تهران در اعتراض به سطح نازل حقوقها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست از کار کشیده و در محوطه شرکت تجمع و اعتراض کردند.

اعتصاب کارگران پیمانی پالایشگاه تندگویان تهران، پتروشیمی رازی و ایلام دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۶ میلیون تومان باشد

اعتراضات در میان کارگران نفت و پتروشیمی در حال گسترش است. برچیده شدن بساط پیمانکاران و داشتن امنیت شغلی با قراردادهای مستقیم و دائمی، افزایش دستمزدها و پرداخت همه آیتیم های مزدی و معوقه ها، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و به رسمیت شناخته شدن حق تشکل،

نشریه روزانه زورنال

www.journalfarsi.com

حقوق بازنشستگان با ۹۰ درصد حقوق شاغلین و اجرای احکام صادره ضریب ۱.۱۵ درصد مورخ ۱۵ تیر ۱۴۰۰ از جمله مطالبات فوری آنهاست.

تجمع اعتراضی جوانان جویای کار اهواز مقابل نیشکر دعبیل خزاعی

روز سوم بهمن شماری از جوانان بیکار در شهر اهواز در اعتراض به بیکاری و با خواست اشتغال به کار در مقابل شرکت نیشکر دعبیل خزاعی تجمع کردند. جمع شدن جوانان بیکار در مقابل مراکز تولیدی در شهرهای مختلف در اعتراض به بیکاری و با مطالبه اشتغال به کار یک شکل رایج اعتراضات اخیر علیه بیکاری در شهرهای مختلف است. دولت در قبال زندگی میلیونها کارگر بیکار مسئول است. همه افراد بدون درآمد و یا کم درآمد باید از مقرری ماهانه در حد تامین یک زندگی انسانی برخوردار باشند. تحصیل و درمان رایگان برای همه و داشتن حق مسکن حق مسلم همه مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ بهمن ۱۴۰۰، ۲۶ ژانویه

تجمع کردند. کارگران شهرداری یاسوج نیز در روز دوم بهمن در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق و مزایای شغلی شان تجمع داشتند. سطح نازل حقوقها، تعویق پرداخت دستمزدها و قراردادهای موقت کاری از جمله موضوع اعتراضات کارگران شهرداری در سطح سراسری است.

تجمع اعتراضی پرستاران و پرسنل کادر درمان مقابل مجلس اسلامی

روز یکشنبه ۳ بهمن ماه، جمعی از پرسنل پرستاری و بهداشت و درمانی در اعتراض به قراردادهای موقت کاری، نداشتن امنیت شغلی و سطح نازل حقوقها و شرایط دشوار کاری شان در مقابل ساختمان مجلس در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. بنا بر خبرها این پرستاران و شاغلان در مراکز درمانی بدون سهمیه و در پوشش طرحی و قراردادهای موقت ۸۹ روزه فعالیت می کنند و خواستار استخدام رسمی خود هستند.

اعتراض در میان پرستاران و کادر درمان بسیار است. بازنشستگان وزارت بهداشت و درمان نیز در اعتراض به وضع بد معیشتی خود برای ساعت ده صبح روز ۵ بهمن ماه فراخوان به تجمع سراسری در مقابل مجلس اسلامی داده اند. تصویب لایحه همسان سازی

اجتماعی هستند و صدها نفر از آنان در چند سال اخیر به علت حوادث ناشی از کار، بیماری و یا از کارافتادگی در فقر و فلاکت بسر می برند و خانواده هایی که نان آورانشان را از دست دادند زندگی مصیبت باری دارند.

در بخشی از فراخوان کارگران ساختمانی بیانیه چنین آمده است: "داشتن تامین اجتماعی حق مسلم هر کارگری هست، چه کسانی پشت پرده مافیای ساخت و ساز کشور شده اند که از بساز بفروش ها که جزء متمول ترین و ثروتمند ترین افراد جامعه هستند حمایت می کنند تا کارگر ساختمانی بیمه نشود. ما صدقه نمی خواهیم کارفرمای ثروتمند ما وظیفه دارد کارگر را بیمه کند." در این بیانیه کارگران ساختمانی بر مطالبات فوری خود از جمله این خواستها تاکید کرده اند:

یک اعتراض این کارگران به واگذاری بازرسی کارگران ساختمانی به کارگزاری هایی است که کوچکترین تخصصی در امر بازرسی ندارند.

اعتراضات کارگران شهرداری مهران و یاسوج

روز یکشنبه سوم بهمن ماه کارگران شهرداری مهران در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه مزد و حق بیمه خود و ۹ ماه مزایای شغلی شان در مقابل فرمانداری این شهرستان

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۷

اعتصاب کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر میان آب در شهرستان شوش در اعتراض به مشکلات کاری و معیشتی شان وارد هشتمین روز خود شد. پرداخت دستمزد ناچیز روزانه ۹۰ هزار تومان به کارگران روزمزد و عدم پرداخت حق بیمه به آنها و نداشتن امنیت شغلی و زورگویی های مدیریت از جمله موضوعات اعتراض این کارگران است. در این روز کارگران میان آب با راهپیمایی در شهر و فریاد شعار مدیر بی لیاقت نمیخواهیم، نمیخواهیم صدای اعتراض خود را به مدیریت فاسد و چپاولگر این شرکت اعلام داشتند

فراخوان کارگران و استادکاران ساختمانی به تجمع سراسری

کارگران ساختمانی طی بیانیه ای در اعتراض به وضعیت وخیم معیشتی و بی تامینی مطلق خود، برای ساعت ۱۰ صبح پنجشنبه ۳ بهمن ماه به تجمع سراسری در مقابل درب ساختمان مجلس شورای اسلامی فراخوان داده اند. کارگران ساختمانی یک بخش محروم از کارگران هستند و همان بیمه بسیار نازل تامین اجتماعی که بعد از ده سال پیگیری کارگران، در سال ۸۷ در مجلس اسلامی تصویب شده بود، دو سال است که متوقف

شده و با صدور بخشنامه هایی قطع شده است. بدین ترتیب صدها هزار کارگر ساختمانی که هر روز در خطر آسیب کاری هستند از بیمه تامین اجتماعی این صندوق به غارت رفته حکومتیان نیز محروم شده و در نوبت استفاده از مزایای برخورداری از تامین

بنا بر خبر منتشر شده در کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت صبح روز چهارم بهمن کارگران پتروشیمی رازی واقع در سرپندر منطقه نفتی ماهشهر در اعتراض به ممانعت ورود برخی از همکاران خود به محل کارشان، در حرکتی یکپارچه دست به اعتصاب زدند و مقابل حراست جمع شدند و راهپیمایی کردند. خواست این کارگران بازگشت به کار فوری همکارانشان است.

تجمع اعتراضی کارگران پروژه سد سفارود

روز دوشنبه ۴ بهمن ماه کارگران پروژه سد سفارود رضوانشهر در اعتراض به عدم پرداخت هفت ماه حقوق معوقه و بلا تکلیفی در وضعیت شغلی شان بار دیگر در محوطه این پروژه دست به تجمع زدند. در تجمع اعتراضی این روز زیر فشار اعتراض کارگران، فرماندار رضوانشهر در جمع کارگران حضور پیدا کرد و اعلام نمود که با توجه به بدعهدی پیمانکار، کارفرمای سد سفارود وعده رسیدگی به مطالبات کارگران تا روز چهارشنبه را داده است. کارگران اعلام کردند که اگر این وعده عملی نشود به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

ادامه اعتصاب کارگران کشت و صنعت میان آب، فراخوان کارگران ساختمانی به تجمع سراسری، تجمع پرستاران مقابل مجلس اسلامی و دو خبر دیگر

ادامه اعتصاب کارگران میان آب روز یکشنبه ۳ بهمن ماه،

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

تویتر: twitter.com/workercommunist

شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵